

# پناهگاه ناامن

گزارشی مشترک از  
مجمع شهروندان هلسینگی - ترکیه  
برنامه ی وکالتی و حمایتی پناهندگان  
ORAM و HCA-RASP  
سازمان پناه، پناهجویی و مهاجرت

چالشهای امنیتی  
پیش روی  
پناهجویان و پناهندگان  
همچنین، دوجنسگرا و  
دوجنسگونه  
در ترکیه

ژوئن ۲۰۰۹



HELSINKI  
YURTTAŞLAR  
DERNEĞİ



# پناهگاه نامن:

چالشهای امنیتی پیش روی  
پناهجویان و پناهندگان همجنسگرا،  
دوجنسگرا و دوجنسگونه در ترکیه

گزارشی مشترک از

مجمع شهروندان هلسنکی - ترکیه  
برنامه‌ی وکالتی و حمایتی پناهندگان  
و  
ORAM - سازمان پناه، پناهجویی و مهاجرت

ژوئن 2009

بدون همکاری پناهجویان و پناهندگانی که در این صفحات حضور دارند تهیه‌ی این گزارش ممکن نبود. سپاسگزاریم که ما را به زندگی خود راه دادید و تجربه‌ها، مشاهدات و احساسات خویش را با ما در میان گذاشتید. استقامت و بردباری شما الهام‌بخش دیگرانی است که راهی مشابه را پی می‌گیرند.

## مجمع شهروندان هلسینکی - ترکیه / برنامه‌ی وکالت و حمایت از پناهندگان

مجمع شهروندان هلسینکی - ترکیه (HCA)، در ترکیه (استانبول) مستقر است. این مجمع، سازمانی مستقل، غیرانتفاعی و غیردولتی است که برای پیش‌برد حقوق و آزادی‌های بنیادی، صلح، دموکراسی و تکرگرایایی در ترکیه و بیرون از آن تشکیل شده است. برنامه‌ی وکالت و حمایت از پناهندگان (RASP) هلسینکی در سال 2004 تاسیس شد تا جمعیت پناهندگان ترکیه را حمایت و وکالت نماید و حقوق‌شان را که مورد تأیید قوانین ملی و بین‌المللی است تضمین کند. RASP تا کنون تنها ابتکار مدنی‌ای در ترکیه بوده است که هم خدمات مستقیم قانونی و هم روان‌شناختی را برای پناهجویان در طول روند UNHCR و رویه‌ی پناهندگی آنها بدیشان ارائه می‌کند و به کارآموزی و اقدامات وکالتی‌ای مشغول است که هدف‌اش ساختن ظرفیت‌های جامعه‌ای مدنی است؛ همچنین در تلاش است چارچوب قانونی و شرایط عملی برای حمایت از پناهندگان و پناهجویان را بهبود دهد.

اهداف کلی این برنامه از این قرار است: (1) ارائه‌ی خدمات قانونی و روحی-اجتماعی برای پناهندگان به شیوه‌ای که آنها را برای دفاع از حقوق‌شان توانمند سازد؛ (2) ایجاد آگاهی و حساسیت عمومی درباره‌ی شرایط و حقوق پناهندگان در ترکیه؛ (3) بهبود حمایت از پناهندگان به وسیله‌ی ظرفیت‌سازی سازمان‌های غیردولتی و نیروهای متخصص در ترکیه؛ و (4) حمایت، ترویج، توسعه و اجرای قوانین، سیاست‌ها، و فعالیت‌هایی که تحت قانون بین‌المللی پناهندگان و قانون حقوق بشر از استانداردهای بالایی برخوردار است.

RASP برای رسیدن به این اهداف با شمار زیادی از شرکای ملی و بین‌المللی همکاری می‌کند. مجمع شهروندان هلسینکی عضو مؤسس پایگاه مشترک حقوق بشر (Joint Platform for Human Rights) است که چهار سازمان حقوق بشری معتبر ترکیه را در بر دارد. مجمع شهروندان هلسینکی در سال 2006 از بنیان‌گذاران شبکه‌ی مشاوره‌ای حقوقی پناهندگان جنوبی (SRLAN) بوده است؛ این شبکه نخستین فراهم‌آورنده‌ی خدمات مشاوره‌ای حقوقی پناهندگان در نیم‌کره‌ی جنوبی زمین است. مجمع شهروندان هلسینکی در سال 2008 نخستین سازمان ترکیه‌ای بود که به شورای اروپایی امور پناهندگان و تبعیدیان (ECRE) پیوست؛ این شورا سازمانی چتری است که بیش از 60 ان‌جی‌او. پناهنده‌یار اروپایی را تحت پوشش قرار داده است. اطلاعات بیشتر درباره‌ی HCA در [www.hyd.org.tr](http://www.hyd.org.tr) فراهم شده است.

## سازمان پناه، پناهجویی و مهاجرت

ORAM - سازمان پناه، پناهجویی و مهاجرت که در سان‌فرانسیسکو ایالات متحده مستقر است سازمانی بین‌المللی و غیرانتفاعی است که برای پناهندگانی خدمات وکالتی فراهم می‌آورد که به دلیل خطرات مبتنی بر مسائل جنسی و جنسیتی ناچار به فرار از کشور خود شده‌اند. بسیاری از مراجعان ORAM متحمل زندان یا شکنجه‌ی حتمی شده‌اند و یا زندان یا شکنجه‌ی حتمی در انتظار آنها بوده است. برخی نپا اعدام روبرو بوده‌اند. این پناهجویان اغلب میهن خود را بی هیچ مایملکی ترک می‌کنند - برخی فقط چند ساعت وقت داشته‌اند که بگریزند. همه‌ی ایشان به‌واقع با خانواده‌های خود قطع رابطه کرده‌اند و هیچ حمایتی از جایی دریافت نمی‌کنند. برخی نیز از چنگ خانواده‌های خود گریخته‌اند. بیشتر آنها که به کشورهای ترانزیت می‌رسند بار دیگر با آزار و خشونت جسمی مواجه می‌گردند و به انزوا رانده می‌شوند.

سازمان پناه، پناهجویی و مهاجرت تلاش می‌نماید تا ضمن مساعدت و کمک حقوقی به موکلین خود، اطمینان حاصل کند که دولت‌ها و سازمان‌ها و اجتماعات کشوری که این مراجعان در آن مقیم هستند حمایت و اقامت‌ایمن لازم را برای ایشان فراهم می‌آورند. هدف ORAM آموزش اجتماعی، ترویج حقوق، مشاوره و ارائه مستقیم دعاوی دادرسی مراجعین خویش است. اقدامات آموزشی این سازمان شامل سخنرانی‌ها، نوشته‌ها و طیف گسترده‌ای از انواع شیوه‌های معارفه است. پیشبرد ترویج حقوق در این سازمان با همکاری سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های درون‌دولتی و دولت‌ها و گروه‌های اجتماعی انجام می‌گیرد. ارائه‌ی خدمات رایگان به موکلین در کشورهای ترانزیت، از طریق پیوند خلاقانه‌ی تکنولوژی مدرن و کارشناسی قانونی میسر می‌شود. اطلاعات بیشتر درباره‌ی سازمان پناه، پناهجویی و مهاجرت - ORAM در [www.orainternational.org](http://www.orainternational.org) موجود می‌باشد.

## فهرست مطالب

6	خلاصه و متن
6	خلاصه طرح
7	ترکعه در روند پناهجویی
9	شرایط محکمی ترکعه برای دگرباشان جنسی
10	پایه‌های این گزارش
10	آزار و اذیت دگرباشان جنسی بر اساس معظله‌های جهانی
11	حفاظت از دگرباشان جنسی در چارچوب قوانین بین‌المللی پناهندگی
13	نهادهای و بخش‌های از کفنه‌خلاصه
13	کفنه‌ها
14	بخش‌انهادها
16	روش‌شناسی و واژه‌شناسی
16	روش‌شناسی
16	واژه‌شناسی
18	کفنه‌ها
18	سهمتم پناهندگی ترکعه : نارسایی‌های روند اسکان در داخل کشور ترکعه، کم‌مسارگی عالی پناهندگی سازمان ملل، و کشور سوم
18	مراحل پناهجویی در وزارت کشور
18	ثبت نام
20	مصاحبه‌ی "پناهجویی موقت"
21	مراحل مربوط به کم‌مسارگی عالی پناهندگان ملل متحد
22	مصاحبه‌های "تعین موقعیت پناهندگی" و زمان انتظار
23	راهنمای تازه‌ی کم‌مسارگی عالی پناهندگان ملل متحد برای درخواست‌های پناهندگی دگرباشی جنسی
24	روند اسکان
25	بار مردم محلی و دگتر پناهجوکن و پناهندگان‌های خشونت‌پناهجوکن و پناهندگان دگرباش هدف حمله
25	بدرفتاری مردم محلی
26	بدرفتاری و آزار از جانب پناهجوکن و پناهندگان محل
27	عدم تکافوی حماکت پلیس
28	شرایط دشوار کفتن مسکن
30	تبعض و خشونت در محل کار
31	تبعض در استخدام
31	آزار و اذیت در محل کار
33	خدمات درمانی غیقبیل دسترسی
33	خدمات درمانی
34	خدمات روان‌درمانی
34	موانع دستگیری به خدمات اجتماعی
35	فضای خصمانه‌ی محکم آموزشی

بخش نهادها.....	37
کم‌عسارتی عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در ژنو و ترکیه.....	39
دولت‌های "کشورهای اسکان مجدد" از جمله اقلات متحده‌ی امریکا، کانادا، استرالیا و سوئد.....	40
های پناهجو پذیری، از جمله نهادهای غی‌دولتی و متخصصین مستقل سرویس‌دهندگان شهرستان.....	41
های پناهجو پذیر سرویس‌های درمانی در شهرستان.....	42
های پناهجو پذیر مسوولان مدرسه‌های دولتی بزرگسالان در شهرستان.....	42
رهبران جمعیت‌های پناهنده و مهاجر.....	42
پناهجوگفت و پناهندگان دگرباش جنسی.....	43
نقشه‌نگاری.....	44
سیاسگاری.....	44
های پناهجو پذیری ترکیه نقشه‌ی شهرستان.....	45

## خلاصه و متن

## خلاصه طرح

در حال حاضر دگرباشان جنسی، یعنی همجنسگرایان زن و مرد، دوجنسگراها، و دوجنسگونگان در شمار آسیب‌پذیرترین پناهجویان و پناهندگان در ترکیه‌اند و در حالی که از آزار و خشونت موجود در کشور خود فرار کرده‌اند، در ترکیه با چالش‌های دشوار تازه‌ای در رابطه با امنیت، سلامت و مراقبت خود روبرو می‌شوند. این پناهجویان که طبق قوانین ترکیه ناچارند در شهرهای کوچک و داخلی این کشور ساکن شوند، نزدیک به یک سال یا بیشتر منتظر می‌مانند تا با درخواست پناهندگی ایشان در کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل متحد موافقت به عمل آید و سپس در کشور سوم "اسکان" داده شوند. در این مدت به دلیل آن که هدف برخورد خشونت‌آمیز مردم محلی قرار می‌گیرند، برای خروج از محل سکونت خود دچار هراس و اضطراب‌اند. دسترسی بسیار محدودی به کمک‌های اجتماعی، اشتغال، و مراقبت‌های پزشکی دارند. نارسایی‌های چشمگیر در پاسخگویی پلیس محلی به شکایت‌های آنان در رابطه با خشونت و آزار به چشم می‌آید. افزون بر این، کارکنان کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل، و وزارت داخله‌ی ترکیه، دو بنیادی که مسوولیت داوری در وضعیت پناهندگان را دارند در مواردی خود را به ناروا و یا به شیوه‌ای که بازخورد منفی داشته است در روند داوری پرونده‌ای درگیر کرده‌اند. با اینکه در موارد اخیر کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل گام‌های بلندی در راستای بهبود این گونه مشکلات برداشته است، می‌توان گفت هنوز هر دوی این بنیادها راه درازی تا بهسازی نارسایی‌های موجود در پیش دارند.

این گزارش بر پایه‌ی مصاحبه‌های جامع با 46 پناهجوی و پناهنده‌ی ساکن ترکیه که بیشتر آنها ملیت ایرانی دارند تهیه شده است. شهادت این افراد بر نارسایی‌های موجود در زمینه‌ی محافظت از ایشان تاکید می‌کند. بیشتر این افراد گزارش داده‌اند که از جانب مردم محلی مورد آزار و اذیتی که در غالب موارد خشونت‌آمیز و همراه با ضرب و شتم فیزیکی است قرار می‌گیرند. همچنین از نارسایی و کم‌کاری نیروی پلیس در پاسخ به شکایت‌های مربوط به خشونت فیزیکی گفته‌اند و اضافه کرده‌اند که به آنها در پاسخ گفته می‌شود در خانه بمانند و زیاد در انظار عمومی ظاهر نشوند و یا ظاهری "مثل مردها" داشته باشند تا هدف آزار و خشونت قرار نگیرند. دیگران گزارش کرده‌اند که به دلیل گرایش جنسی و یا هویت جنسیتی مجبور به تخلیه‌ی محل سکونت خود شده‌اند. چند نفری که امکان یافته‌اند شغلی بیابند توضیح دادند که پس از این که صاحب‌کار به موقعیت پرونده‌ی ایشان به عنوان دگرباش جنسی پی برده است آنها را با اعمال خشونت از کار اخراج کرده است. و تعدادی نیز از عدم دستیابی خود به کمک‌های اجتماعی و آموزشی، به دلیل هویت و گرایش جنسی خود، خبر دادند.

پناهجویان دگرباش جنسی (همجنسگرایان زن و مرد، دوجنسگرایان، دوجنسگونگان) عموماً مورد تضحیات تلخ و آزاردهنده‌ی ویژه‌ای در مراحل حساس زندگی قرار می‌گیرند و در طول اقامت طولانی خود در ترکیه نیز به خاطر همین تضحیات به انزوا رانده شده و از دستیابی به کمک‌های اجتماعی و کار محروم می‌شوند و حتی از بنیادی‌ترین نموده‌های امنیت و رفاه بی‌نصیب می‌مانند. اکثر این پناهجویان دوران اقامت خود در ترکیه را در فقر و بیچارگی به سر می‌برند.

بایسته است که این گزارش در بدنه‌ی نقض حقوق بشر براساس هویت جنسیتی و گرایش جنسی در سراسر جهان بررسی شود. در 85 کشور جهان عمل همجنسگرایانه جرم به شمار می‌آید و دست کم در هفت مورد از این کشورها رابطه همجنسگرایانه از روی میل میان افراد بالغ هنوز مجازات اعدام در پی دارد. به این خاطر بسیاری از دگرباشان جنسی از کشور خود می‌گریزند تا از کشوری دیگر تقاضای پناهندگی کنند. در سال‌های اخیر کشور ترکیه که به طور روزافزونی در معرض موجی از مهاجرین آسیا و آفریقا و اروپا قرار گرفته است، شاهد افزایش شمار پناهجویان دگرباش جنسی بوده است.

گام‌های عظیمی باید برداشته شود تا وضعیت دشوار پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی در ترکیه بهبود یابد. پیش و بیش از هر چیز، ضروری است ترتیبی داده شود که امنیت جسمی ایشان تامین شود و از آزار در امان نگهداشته شوند. دوم، روند پرونده‌ی ایشان در کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل در ترکیه، و دیگر کشورهای پناهنده‌پذیر شتاب بگیرد تا پناهجویان دگرباش جنسی هر چه کمتر در معرض آسیب و خشونت قرار

داشته باشند. طرفهای درگیر همچنین باید اطمینان حاصل کنند که روش‌های به‌کارگرفته شده‌ی مصاحبه برای داوری ادعاهای مبنی بر دگرباشی جنسی، مناسب و کارآ هستند. دست آخر، کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل، و پلیس ترکیه، باید به طور دائم دوره‌های کارورزی برای کارکنان مراکز بهداشت و درمان، سازمان‌های خدمات اجتماعی و آموزشی، دایر داشته باشند. دامنه‌ی دوره‌های کارورزی باید تا ماموران، کارمندان پذیرش، سرویس‌دهندگان و مترجمان گسترده شود تا پذیرش این افراد در برخورد با پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی افزایش یابد و محیطی ایجاد شود که در آن تبعیض و تعصب به کمترین میزان خود برسد.

## رند پناهجویی در ترکیه

همچنان که کشورهای اروپایی هم‌مرز با مدیترانه با قدرت و شدت موج مهاجرت نامنظم به کشورهای خود را متوقف کردند، ترکیه بدل به تونل اصلی عبور مهاجرین افریقا، آسیا، خاورمیانه به اروپا شده است.

هر ساله هزاران پناهنده از بیش از 40 کشور جهان به این کشور وارد می‌شوند اما بنا به کنوانسیون 1951 پناهندگان و معاهده 1965، ترکیه تنها کسانی را که دارای ملیت اروپایی باشند به نام پناهنده تحت پوشش قرار می‌دهد.<sup>1</sup> از آنجایی که بخش اعظم این پناهجویان ملیت اروپایی ندارند، شامل شرایط لازم برای پناهندگی در ترکیه نیستند. در نتیجه مسوولیت حفظ امنیت و تامین رفاه آنان در چارچوب یک "راه حل دراز مدت" به دوش کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل - آژانس سازمان ملل که مسوولیت حفظ امنیت و مراقبت و حمایت از پناهندگان و همیاری آنان در رند بازگشت به وطن خود و یا استقرار در کشور دوم را داراست- می‌افتد.

علیرغم محدودیت تعهدات ترکیه در میثاق 1951 پناهندگان، دولت ترکیه به پناهجویان غیراروپایی اجازه می‌دهد به طور موقت، تا زمانی که وضعیت درخواست‌نامه‌ی پناهندگی ایشان توسط UNHCR معلق است، در ترکیه اقامت گزینند. آن دسته که از جانب کمیساری عالی پناهندگان ملل متحد به عنوان پناهنده شناخته می‌شوند، امکان این را می‌یابند تا در کشور سوم اسکان یابند. سه کشور اصلی پناهنده‌پذیر در حال حاضر، ایالات متحده امریکا، کانادا، و استرالیا هستند.<sup>2</sup>

تعیین موقعیت پناهندگی در ترکیه روندی دشوار دارد که در غالب مواقع ماه‌ها و گاه سال‌ها به طول می‌انجامد. سیستم پناهجویی در ترکیه از دو "مسیر" موازی تشکیل شده است. نخست، مراجعه به مقامات کشوری ترکیه برای دریافت تاییدیه پناهندگی است که برای تمام پناهجویان، از هر ملیتی، اجباری است. دیگر، مراجعه به

<sup>1</sup> ترکیه، بند IB (1) (a) کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان که شامل حفاظت از کسانی است که «بر اثر رخدادهایی پناهنده شده‌اند که از ژانویه 1951 به بعد اتفاق افتاده است» را پذیرفته است. بنگرید به کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل؛ «تشکل‌های دولتی برای کنوانسیون 1951 مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل 1967».

آپریل 2009 قابل دسترسی بود است). پیوستن ترکیه به پروتکل 1967 مربوط به وضع پناهندگان بدین معنی است که حکومت ترکیه محدودیتهای بند I - B را رعایت می‌کند. مطابق این بند ترکیه کنوانسیون 1951 را تنها برای افرادی رعایت می‌کند که در اثر رخدادی پناهنده شده‌اند که در اروپا واقع شده باشد. بنگرید به کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل، «کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان» و «پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان»، در کتابخانه‌ی دیداری شنیداری قانون بین‌المللی، <http://untreaty.un.org/cod/avl/ha/prsr/prsr.html> (این سایت تا 28 آپریل 2009 قابل دسترسی بوده است). تا این زمان ترکیه یکی از چند مشارکین دولتی بوده است که کنوانسیون پناهندگان را رعایت کرده و «محدودیت جغرافیایی» را نگه داشته و خود را پایبند تعهدات 1951 نشان داده است؛ تعهداتی که مربوط به ملیت‌هایی می‌شود که «خاستگاه اروپایی» دارند و اعضای شورای اروپا این خاستگاه را تفسیر و مشخص می‌کنند.

<sup>2</sup> کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل، در سال 2008، 3832 نفر را در کشور سوم اسکان داده است، که عمدتاً به ایالات متحده، کانادا، استرالیا، فنلاند، و سوئد فرستاده شده‌اند. شصت و سه درصد این پناهندگان اسکان‌یافته، عراقی بودند، 31 درصد ایرانی، 3 درصد سومالی، و باقی نفرات از دیگر ملیت‌های آفریقایی و آسیایی بودند.

کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل متحد، که شامل تمام پناهجویان غیر اروپایی که درخواست اسکان در کشور سوم را دارند، می‌شود. غیراروپایی‌ها باید هر دو "مسیر" را همزمان دنبال کنند.

برای دریافت "رتبه‌ی موقت پناهجویی"، فرد باید به وزارت داخله‌ی ترکیه (MOI) مراجعه کند. این رتبه به پناهجو امکان می‌دهد که تا زمانی که کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل پرونده‌ی پناهندگی فرد را بررسی می‌کند، در ترکیه به طور قانونی سکونت یابد. سیستم پذیرش پناهجویان در ترکیه بر مبنای اصول پراکنده‌سازی است. در طول دوره‌ی انتظار، پناهجویان به یکی از 30 شهرستان پناهجو پذیر (شهرهای کوچکی اطراف شهرهای بزرگ‌تر و مراکز استان) که برای سکونت پناهجویان تعیین شده‌اند و غالباً در مناطق داخلی کشور قرار گرفته‌اند، فرستاده می‌شوند. پناهجویان می‌بایست تا زمانی که از ترکیه به مقصد کشور سوم خارج می‌شوند و یا به کشور خود بازگردانده می‌شوند، در شهرستان پناهجو پذیر خود اقامت داشته باشند. برای خروج از شهر محل اقامت، به هر دلیلی، اجازه‌ی کتبی پلیس ضروری است.

در حال حاضر بیش از 18000 پناهجو و پناهنده، غالباً از کشورهای عراق، ایران، افغانستان، و سومالی، در ترکیه به سر می‌برند. بسیاری از اینان تجربه‌ی شکنجه از سر گذرانده‌اند.<sup>3</sup> در غالب موارد این افراد پس از سفری پر مخاطره، بدون هیچ سرمایه و یا با دستمایه‌ی بسیار اندک به ترکیه وارد می‌شوند. پس از مراجعه و ثبت نام در دفتر کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل متحد و MOI این پناهجویان به حال خود رها می‌شوند تا به طریقی روزگار بگذارند و مخارج زندگی خود که شامل نیازمندی‌های اولیه نظیر سرپناه و خدمات بهداشتی است را خود تامین کنند. تمام افراد یک خانواده می‌بایست دارای "اجازه اقامت" باشند که در ازای مبلغی معین که هر شش ماه یک بار با افزایش مبلغ، تجدید می‌شود، باشند. پرداخت این مبلغ و مبالغ حاشیه‌ای آن از عهده‌ی مالی غالب پناهجویان خارج است.<sup>4</sup> کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل متحد و دولت ترکیه بودجه‌ی بسیار ناچیزی برای حمایت مالی اختصاص داده‌اند و این مبلغ برای آسیب‌پذیرترین پناهجویان حفظ می‌شود. به دلیل کمبود شدید امکان اشتغال و با توجه به این که تقریباً هیچ گونه حمایت اجتماعی موجود نیست، بیشتر پناهجویان و پناهندگان در فقر و تنگدستی به سر می‌برند. غالب پناهجویان ماه‌های طولانی، گاه سال‌ها در انتظار رای کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل متحد می‌مانند، و پس از آن، یک سال و گاه بیشتر در انتظار به سر می‌برند تا در کشور سوم "اسکان" یابند. بسیاری از اینان در این فاصله خطر زندگی در اماکن نامن و کار در شرایط استثمار را به جان می‌خرند. بسیاری برای فرار از این شرایط جان خود را به خطر می‌اندازند تا از مسیری غیرقانونی وارد یکی از کشورهای اروپا شوند.

در چنین شرایطی، پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی در ترکیه به طور ویژه در معرض آسیب قرار دارند. در غالب موارد، ارتباط دگرباشان جنسی با هر گونه شبکه‌ی حمایتی در کشور خود قطع است و تعداد بسیار اندکی دسترسی به حمایت مرتب و مداوم مالی دارند. با آزار مداوم، و در غالب موارد خشونت‌آمیز مردم محلی شهرستان‌های پناهجو پذیر محل سکونت خود روبرویند و افزون بر این از جانب دیگر پناهجویان و پناهندگان نیز طرد می‌شوند. از آنجایی که می‌دانند با بی‌بافتی روبرو خواهند شد، تعداد کمی در این گونه موارد به پلیس مراجعه می‌کنند. تعداد انگشت‌شماره‌ی که موفق به یافتن کار می‌شوند، گزارش داده‌اند که وادار به کار در شرایط استثمار شده‌اند. همچنین گزارش کرده‌اند که برای اجازه‌ی محل سکونت، و حفظ آن با تبعیض روبرو شده‌اند. مجموعه‌ی این مخاطرات که غالباً بر اساس رفتارهای تبعیض‌آمیز شکل گرفته است مانع دستیابی پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی به خدمات اجتماعی و آموزش است. با این وجود، و در شرایطی که ارتباط اینان با خانواده و دوستانشان در کشور خود، با دیگر پناهجویان و پناهندگان ساکن ترکیه، و با جامعه و مقامات مسئول ترکیه قطع است، عجیب نیست که از انزوای عمیقی که در آن به سر می‌برند، سخن بگویند.

<sup>3</sup> UNHCR ترکیه در سال 2008 روی هم رفته 18209 نفر را کیس‌گذاری کرده است. 12964 نفر از ایشان در طول سال درخواست پناهندگی‌شان انجام شده است. 53 درصد از پناهندگانی که درخواست‌های پناهندگی‌شان دریافت شده است، عراقی هستند، 20 درصد افغانی، 16 درصد ایرانی، و 5 درصد نیز از سومالیا و باقی نیز از تقریباً 40 کشور دیگر بوده است.

<sup>4</sup> هزینه‌ی اجازه‌ی اقامت هر ساله توسط وزارت مالی مشخص می‌شود و در قانون مجموع قیمت‌ها (شماره‌ی 492) ثبت می‌شود. در آوریل 2009، اجازه‌ی اقامت شش‌ماه برای هر فرد 273.80 پتله به علاوه‌ی 81 پتله برای دفترچه‌ی اقامت منظور شده است. هزینه‌ی این دفترچه را فقط یک‌بار می‌گیرند. در حال حاضر، این مبلغ معادل 218 دلار آمریکایی است.



## شرایط محیطی ترکیه برای دگرباشان جنسی

با در نظر گرفتن نارواداری و رفتار دشمنانه در برابر اقلیت‌های جنسی در این کشور، دشواری وضعیت پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی در ترکیه بیشتر آشکار می‌شود. هر چند همجنسگرایی در ترکیه بر اساس قانون منع نشده است، اما همجنسگرایان زن و مرد از هیچگونه حمایت قانونی ویژه‌ای برخوردار نیستند، و قوانین اخلاقی پایه نیز به گونه‌ای تبعیض‌آمیز در ارتباط با آنان به کار گرفته می‌شود.<sup>5</sup> در سال 2008، ترکیه به جمع کشورهای که از حمایت قطعنامه‌ی سازمان ملل متحد در دعوت به جرمزدایی از همجنسگرایی، سر زده بودند، پیوست.<sup>6</sup>

مدارکی مبتنی بر نقض حقوق بشری دگرباشان جنسی و حامیان ایشان در ترکیه جمع‌آوری شده است. مردان و زنان همجنسگرا و دوپنسگونه، نه تنها به طور دایم به دلیل هویت خود مورد آزار و خشونت قرار می‌گیرند، بلکه پلیس نیز به شکایت‌های ایشان با بی‌تفاوتی پاسخ می‌دهد.<sup>7</sup> تنها در فاصله‌ی نوامبر 2008 تا آوریل 2009 ده نفر از اعضای جامعه‌ی دگرباش جنسی در ترکیه به قتل رسیدند.<sup>8</sup>

دادگاه‌ها نیز حق دگرباشان جنسی در برخورداری از اصول اولیه‌ی امنیت را انکار می‌کنند. در می 2008 دادگاهی در استانبول با این استدلال که این سازمان "بر ضد ارزش‌های اخلاقی و ساختار خانواده" عمل می‌کند، به انحلال لامبادا، سازمانی که برای حمایت از حقوق دگرباشان جنسی پا گرفته است، رای داد.<sup>9</sup> در اواخر سال 2008، دادگاه عالی تجدید نظر این رای را ملغی اعلام کرد اما اضافه نمود که اگر در آینده این سازمان در فعالیت‌های نظیر "تلاش در ترویج و تبلیغ و تشویق دوپنسگرایی، دوپنسگونگی، و همجنسگرایی زنانه و مردانه و بدل پوشی وارد شود، منحل اعلام خواهد شد.<sup>10</sup> در همین راستا، در سال‌های اخیر، فرمانداری آنکارا یک

<sup>5</sup> Immigration and Refugee Board of Canada, "Turkey: Treatment of gay, lesbian and transgender people by Turkish society; treatment by authorities; legislation, protection and services available," TUR102515.E, June 11, 2007, via UNHCR Refworld, <http://www.unhcr.org/refworld/docid/46fa537428.html> (accessed April 24, 2009); Human Rights Watch, "We Need a Law for Liberation: Gender, Sexuality, and Human Rights in a Changing Turkey," May 2008, [http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/turkey0508\\_1.pdf](http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/turkey0508_1.pdf) (accessed February 1, 2009).

<sup>6</sup> Human Rights Watch, "UN: General Assembly Statement Affirms Rights for All," December 18, 2008, <http://www.hrw.org/en/news/2008/12/18/un-general-assembly-statement-affirms-rights-all> (accessed February 1, 2009).

<sup>7</sup> دیدهبان حقوق بشر «ما برای آزادی نیاز به قانون داریم: جنسیت، امور جنسی، و حقوق بشر در ترکیه‌ی همیشه متغییر، کمیساریای اروپایی، ترکیه 2008 گزارش پیشرفت»، 5 نوامبر 2008، [http://ec.europa.eu/enlargement/pdf/press\\_corner/key\\_documents/reports\\_nov\\_2008/turkey\\_progress\\_report\\_en.pdf](http://ec.europa.eu/enlargement/pdf/press_corner/key_documents/reports_nov_2008/turkey_progress_report_en.pdf) (این سایت تا 5 فوریه‌ی 2009 در دسترس بوده است)، 73؛ KAOS GL، انتشارات پرس، «سکوی حقوق LGBTT، وضعیت در ترکیه در 2008» 29 ژانویه‌ی 2009، <http://news.kaosgl.com/item/2009/1/29/platform-of-lgbtt-rights-situation-in-turkey-in-2008> (این سایت تا 5 فوریه‌ی 2009 در دسترس بوده است).

<sup>8</sup> Bawer Cakir, "Transsexual Melek's Killer Arrested," *Bia News Center*, April 23, 2009, <http://bianet.org/english/gender/transsexual-melek-s-killer-arrested> (accessed April 28, 2009).

<sup>9</sup> Amnesty International USA, "Background Information on Turkey and LGBT Rights Group Lambda Istanbul." <http://www.amnestyusa.org/lgbt-human-rights/background-information/page.do?id=1041177> (accessed February 2, 2009); Federation of Young European Greens, "Closing of Lambda Istanbul – Another Human Rights Violation in Turkey," June 5, 2008, [http://www.fyeg.org/cms/index2.php?option=com\\_content&do\\_pdf=1&id=487](http://www.fyeg.org/cms/index2.php?option=com_content&do_pdf=1&id=487) (accessed February 2, 2009).

<sup>10</sup> Gerekeçli Karar, Beyoğlu 3. Asliye Hukuk Mahkemesi, esas no. 2007/190; Karar no. 2008/236 (Reasoned verdict. Beyoğlu Civil Court of First Instance No. 3, case no.: 2007/190; Decision no. 2008/236).

همچنین بنگرید به «The Decision to Close Down Lambda Istanbul is Overturned!» November 27, 2008, <http://www.lambdaistanbul.org/php/main.php?menuID=26&altMenuID=46&icerikID=6407> (accessed May 2, 2009).

شبکه‌ای حمایتی دوجنسگونگان به نام پمبه حیات (Pink Life)، و نیز KAOS-GL، گروه حمایت از همجنسگرایان مرد و زن، را متهم به "نقض قانون و اخلاقیات" کرد.<sup>11</sup>

## پایه‌ای این گزارش

چندین سال است که انجمن شهروندان هلسینکی - ترکیه (HCA) خدمات حقوقی در اختیار پناهجویان و پناهندگان در ترکیه قرار می‌دهد و شمار چشمگیری از این پناهجویان و پناهندگان، دگرباش جنسی بوده‌اند. در طول این مدت، HCA قادر به تشخیص رشته‌ای مشخص از خطرات و تجاوزاتی که این گروه عمیقن آسیب‌پذیر با آن روبرویند، شده است. هر چند شرایط زندگی غالب پناهجویان و پناهندگان در ترکیه به شدت دشوار است، وضعیتی که پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی به دلیل نقض چندگانه حقوق خود در این کشور با آن مواجه‌اند، نیاز به بررسی و توجه ویژه دارد.

تاکنون هیچ گزارش دقیق شامل جزئیات پیرامون شرایط پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی در ترکیه منتشر نشده است. این گزارش به منظور آشکار نمودن نارسایی‌های موجود در حفظ امنیت و حراست این گروه تهیه شده است. این گزارش منتشر شد تا به بنیادهای دولتی، کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل متحد، و دیگر طرف‌های مربوط و درگیر، راهکارهای سازنده و راهنمایی‌های برپایه‌ی واقعیت‌های میدانی ارائه دهد. امید آن است که این تلاش به بهبود شرایط و نیازهای اولیه‌ای که پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی در این کشور با آن روبرو هستند، منجر شود و همزمان هتشداری باشد در صورت گام‌هایی که اگر برداشته نشوند نمی‌توان ترکیه را برای پناهجویان دگرباش جنسی محلی امن به شمار آورد.

## آزار و اذیت دگرباشان جنسی بر اساس معیارهای جهانی

در سراسر جهان، جامعه‌ی دگرباشان جنسی به دلیل گرایش جنسی و هویت جنسیتی مورد تبعیض و آزار قرار دارند و<sup>12</sup> به دست شهروندان عادی و نیز ماموران دولتی، قربانی رفتارهای خشونت‌آمیز از جمله تجاوز، شکنجه و قتل می‌شوند.<sup>13</sup> از نشانه‌های انزوای اجباری آنان موانع ایجاد شده سر راه دسترسی ایشان به خدمات بهداشتی و درمانی، مسکن، تحصیل، و کارپایی است.<sup>14</sup> برای فرار از طردشدگی، خشونت، و گاه اعدام،

در 30 آپریل 2009، در نخستین محاکمه در دادگاه استانبول (Beyoglu Civil Court of First Instance No. 3) دادگاه از درخواست دادگاه عالی برای تصمیم‌گیری و حکم علیه بستن سازمان Lambda Istanbul اطاعت کرد. در تاریخ انتشار این گزارش، رای احتمالی باید منتشر شده باشد اما در انتظار آن هستیم. بنگرید به

Gereklı Karar, Yargıtay 7. Hukuk Dairesi, esas no. 2008/4109; karar no. 2008/5196 (Reasoned verdict, Court of Cassation Seventh Civil Chamber, case no. 2008/4109; decision no. 2008/5196).

<sup>11</sup> Amnesty International USA, "Background Information on Turkey and LGBT Rights Group Lambda Istanbul." <http://www.amnestyusa.org/lgbt-human-rights/background-information/page.do?id=1041177> (accessed February 2, 2009).

<sup>12</sup> Daniel Ottosson and ILGA, "State-sponsored Homophobia: A World Survey of Laws Prohibiting Same-Sex Activity Between Consenting Adults," April 2007, [http://www.ilga.org/statehomophobia/State\\_sponsored\\_homophobia\\_ILGA\\_07.pdf](http://www.ilga.org/statehomophobia/State_sponsored_homophobia_ILGA_07.pdf) (accessed February 5, 2009).

<sup>13</sup> همان

<sup>14</sup> Michael O'Flaherty and John Fisher, "Sexual Orientation, Gender Identity and International Human Rights Law: Contextualising the Yogyakarta Principles," *Human Rights Law Review* 8, no. 2 (2008): 208. <http://hrlr.oxfordjournals.org/cgi/content/full/8/2/207> (accessed January 20, 2009).

دگرباشان جنسی در موارد بسیار با فشار خانواده و اجتماع، ناچار به هویت‌های جنسیتی مورد قبول جامعه و روابط دگرجنسگرایانه تن می‌دهند و در نتیجه دچار آسیب‌های شدید روحی و روانی می‌شوند. همچنین به عنوان مجازات سرپیچی از نورم‌های جنسیتی، هدف تجاوز جنسی قرار می‌گیرند.<sup>15</sup>

تبعیض علیه دگرباشان جنسی که در غالب موارد در قانون تصریح شده، به این ناروایی تداوم بخشیده است.<sup>16</sup> صدها کشور جهان دارای قوانینی هستند که یا مانع ابراز هویت دگرباشی جنسی می‌شود و یا امنیت شخص دگرباش جنسی را تامین نمی‌کند؛ از جمله این قوانین محدودیت‌های قانونی در حق همزیستی و همسری است. طبق گزارش انجمن جهانی همجنسگرایان زن و مرد (ILGA) در سال 2007، شمار کشورهای عضو سازمان ملل متحد که عمل جنسی همجنسگرایانه میان دو فرد بالغ با توافق دو طرف را جرم جنایی به شمار می‌آورند، کمتر از هشتاد و پنج تا نیست.<sup>17</sup> افزون بر این، در هفت کشور جهان از جمله ایران، موریتانی، عربستان سعودی، سودان، امارات متحده‌ی عرب، یمن، و نیجریه، برای رابطه‌ی همجنسگرایانه بر اساس توافق میان دو فرد بالغ مجازات اعدام در نظر گرفته شده است.<sup>18</sup> در شماری از این کشورها قانون شرع حکمفرما است و فرد محکوم به جرم رابطه‌ی همجنسگرایانه را به سنگسار در ملاء عام به عنوان گونه‌ای از اعدام، مجازات می‌کنند.<sup>19</sup>

آزار دگرباشان جنسی از جانب دولت‌ها به گونه‌هایی دیگر به جز مجازات‌های قانونی نیز ظاهر می‌شود، نظیر باز گذاشتن غیر رسمی دست پلیس در اعمال خشونت نسبت به دگرباشان جنسی.<sup>20</sup> این گونه مقررات معمولن دگرباشان جنسی را از شکایت به مقامات مسوول، که آنان را در معرض تجاوز گسترده‌تر قرار می‌دهد، باز می‌دارد.<sup>21</sup> گونه‌ی دیگر تضییق حقوق دگرباشان جنسی از جانب دولت‌ها، قرار دادن گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی خارج از نورم جامعه در زمره‌ی بیماری‌های روانی، و یا محدود نمودن امکانات فعالیت انجمن‌ها و سازمان‌های حقوق دگرباشان جنسی است.<sup>22</sup>

## حفاظت از دگرباشان جنسی در چارچوب قوانین بین المللی پناهندگی

به دلیل تعقیب و آزارهایی که گاه بسیار شدید بوده‌اند، شمار زیادی از دگرباشان جنسی وادار به فرار از کشور خود شده‌اند تا در جایی دیگر تقاضای پناهندگی و حمایت کنند. هر چند ادعای مبتنی بر گرایش جنسی و هویت جنسیتی، به طور کامل، و یا بخشی از آن بر اساس عقیده‌ی سیاسی فرد مطرح می‌شود، اما غالبن در چارچوب "عضویت در گروه اجتماعی ویژه" ("MPSG")، یعنی یکی از پنج دلیل درخواست حمایت، ماده 1 (A) (2) قطعنامه ژنو 1951 قرار می‌گیرد.

<sup>15</sup> UN General Assembly, "Question of torture and other cruel, inhuman or degrading treatment or punishment," July 3, 2001, A/56/156, [http://www.unhcr.ch/Huridocda/Huridoca.nsf/0/a10fc68f4899ebe0c1256ace004b6207/\\$FILE/N0144579.pdf](http://www.unhcr.ch/Huridocda/Huridoca.nsf/0/a10fc68f4899ebe0c1256ace004b6207/$FILE/N0144579.pdf) (accessed January 20, 2009), para. 17.

<sup>16</sup> Jenni Millbank, "The Role of Rights in Asylum Claims Based on Sexual Orientation," *Human Rights Law Review* 4, no. 2 (2004): 193-228, <http://hrlr.oxfordjournals.org/cgi/reprint/4/2/193> (accessed February 12, 2009).

<sup>17</sup> Ottosson and ILGA, "State-sponsored Homophobia."

<sup>18</sup> O'Flaherty and Fisher, 210.

<sup>19</sup> Ottosson and ILGA, "State-sponsored Homophobia."

<sup>20</sup> O'Flaherty and Fisher, 208.

<sup>21</sup> همان

<sup>22</sup> همان ، 211 - 213

با وجود آن که در متن قطعنامه عبارت MSPG تعریف نشده، عمومن دو گونه برداشت از این عبارت، پذیرفته شده است. برداشتی که عبارت را "ویژگی فردی تحت شمول قانون" *protected characteristic* معنا می کند، نظر به آن دارد که گروه مورد بحث ویژگی مشترک خاصی دارد که به سادگی قابل انکار نیست و یا وفاداری به این ویژگی "برای حرمت انسانی آنچه بنیادین است که شخص نمی‌بایست وادار به انکار آن باشد."<sup>23</sup> برداشت دیگر بر اساس "دریافت اجتماعی" است و بر این نکته تکیه می‌کند که گروه مورد بحث ویژگی مشترکی دارد که از نقطه نظر اجتماعی قابل تشخیص است و یا این گروه را در سطح جامعه از دیگران متمایز می‌دارد.<sup>24</sup> کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل در اساس، آزمون "دریافت اجتماعی" را با اهم توجه به معنای "ویژگی فردی/شخصیتی تحت شمول قانون" مثنی خود قرار داده است:

[یک] گروه اجتماعی ویژه، گروهی است که اعضای آن ویژگی فردی/شخصیتی خاصی به غیر از *هدف آزار و تبعیض قرار داشتن* را دارا هستند، و یا از جانب بدنه‌ی جامعه به عنوان گروه شناخته می‌شوند. این ویژگی فردی/شخصیتی عمومن ویژگی مادرزادی و غیرقابل تغییر است و یا با هویت و ضمیر باطن شخص و یا با آزادی برخورداری از حقوق انسانی شخص پیوند عمیق و بنیادین دارد.<sup>25</sup>

بنابراین پناهجویان دگرباش جنسی واجد هر دو شرایطاند و در هر دو گروه اجتماعی جا می‌گیرند. زنان همجنسگرا دارای ویژگی غیرقابل انکار کشش جنسی و عاطفی به زنان‌اند؛ مردان همجنسگرا دارای ویژگی غیرقابل انکار کشش جنسی و عاطفی به مردان‌اند. این ویژگی‌های فردی/شخصیتی، همچنین در شمار آن دسته ویژگی‌های شخصیتی بنیادین در هویت و حرمت بشری قرار دارند که فرد نمی‌بایست وادار به ترک آن باشد.<sup>26</sup> از این گذشته زنان و مردان همجنسگرا غالباً در کشور خود به عنوان گروه اجتماعی متمایز از دیگران در نظر گرفته می‌شوند. کسانی که خود را دوجنسگرا می‌دانند، که غالباً هم در میان دگرجنسگرایان و هم در میان همجنسگرایان جای می‌گیرند برای اثبات ادعای خود مبنی بر تعلق به گروه اجتماعی خاص، با دشواری بیشتری روبرویند.<sup>27</sup> در چنین مواردی، دوجنسگراها به طور مشروع می‌توانند ادعای تعلق در گروه اجتماعی خاص همجنسگرایان زن و یا مرد را داشته باشند.

ادعاهای مبنی بر دوجنسگونی، بر خلاف ادعای مبنی بر همجنسگرایی که بر پایه‌ی گرایش جنسی است، بر اساس هویت جنسیتی مطرح می‌شوند. دوجنسگونیان عمومن ادعای خود را بر اساس تعلق به گروه اجتماعی خاص "افرادی که با جنسیت فیزیکی‌ای زاده شده‌اند که به باور ایشان با هویت جنسیتی‌شان همخوان نیست" مطرح می‌کنند.<sup>28</sup> این هویت جنسیتی هویتی است که در مقایسه با هویت فیزیکی ایشان غیرقابل انکار و

<sup>23</sup> UN High Commissioner for Refugees, "Guidelines on International Protection No. 2: 'Membership of a Particular Social Group' Within the Context of Article 1A(2) of the 1951 Convention and/or its 1967 Protocol Relating to the Status of Refugees," May 7, 2002, HCR/GIP/02/02, <http://www.unhcr.org/refworld/docid/3d36f23f4.html> (accessed January 22, 2009).

<sup>24</sup> همان، پارگراف 7.

<sup>25</sup> همان، پارگراف 11.

<sup>26</sup> UN High Commissioner for Refugees, "UNHCR Guidance Note on Claims for Refugee Status Under the 1951 Convention Relating to Sexual Orientation and Gender Identity," November 21, 2008, paras. 8, 9, in UNHCR Refworld, <http://www.unhcr.org/refworld/docid/48abd5660.html> (accessed January 22, 2009).

<sup>27</sup> بنگرید به

Sean Rehaag, "Patrolling the Borders of Sexual Orientation: Bisexual Refugee Claims in Canada," *McGill Law Journal* 53 (2008), [http://osgoode.yorku.ca/osgmedia.nsf/0/EBE6DA512667DAD4852574F1004FAEDA/\\$FILE/Patrolling%20the%20Borders%20of%20Sexual%20Orientation%20-%202008%2053%20McGill%20L%20J%2059.pdf](http://osgoode.yorku.ca/osgmedia.nsf/0/EBE6DA512667DAD4852574F1004FAEDA/$FILE/Patrolling%20the%20Borders%20of%20Sexual%20Orientation%20-%202008%2053%20McGill%20L%20J%2059.pdf) (accessed April 20, 2009).

<sup>28</sup> Victoria Neilson, "Uncharted Territory: Choosing an Effective Approach in Transgender-Based Asylum Claims," *Fordham Urban Law Journal* 32 (2005): 265, <http://www.immigrationequality.org/uploadedfiles/Fordham%20neilson%20pdf%20final.pdf> (accessed January 23, 2009).

بنامی‌های هویت ایشان به شمار می‌آید.<sup>29</sup> افراد دوجنسگونه ممکن است با یکدیگر احساس همبستگی بسیار داشته باشند. ایشان به عنوان بخشی متمایز از جامعه به شمار می‌آیند و به طور معمول هدف برخوردهای خاص قرار می‌گیرند.<sup>30</sup> علاوه بر این، ادعاهای مربوط به دوجنسگونی ممکن است بر اساس اتهام تعلق به گروه اجتماعی همجنسگرایی مردانه یا زنانه نیز مطرح شود.<sup>31</sup>

## خلاصه ای از یافته ها و پیش نهادها

### یافته ها

پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی که برای تهیه این گزارش در مصاحبه شرکت کردند مشخص خطرات فیزیکی و جانی را به عنوان مهم‌ترین نگرانی خود عنوان کردند. اکثر آنان ابراز داشتند که دست کم یک بار مورد حمله‌ی فیزیکی قرار داشته‌اند. تقریباً تمامی آنان توصیفی از آزار و اذیت دایم مردم محلی و دیگر پناهجویان و پناهندگان، نسبت به خود، به دست دادند. گفتند که کتک خورده‌اند، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند، با چاقو و دیگر سلاح‌ها تهدید شده‌اند، پیشنهاد عمل جنسی به آنها داده شده است، و تا محل سکونت خود تعقیب شده‌اند. مردم محلی - از هر سن و از هر جنسیتی آنها را «تپ» - واژه‌ی تحقیرآمیزی که در ترکی اصطلاحاً به معنای مرد همجنسگرا است، خطاب کرده‌اند.<sup>32</sup> زنان همجنسگرایی که در این مصاحبه شرکت کردند نیز ابراز داشتند که در طول سکونت خود در شهرهایی که بافت اجتماعی سنتی و محافظه کار دارد، به عنوان زن مجرد، احساس ناتوانی و آسیب پذیری شدید کرده‌اند.

بسیار از پناهجویان دوجنسگونه‌ی مرد - به زن ("MTF") که در این مصاحبه شرکت کردند، همچنین مردان همجنسگرا که ظاهری "غیر مردانه" دارند ابراز داشتند که پلیس به آنان هشدار داده است موهای خود را کوتاه کنند، و "مثل مردها" لباس بپوشند و آرایش نکنند و از زینت آلات استفاده نکنند. بسیاری از کسانی که در مصاحبه شرکت کردند گفتند که پلیس به آنان توصیه کرده است که اگر نمی‌خواهند هدف حمله قرار بگیرند از خانه و محل سکونت خود خارج نشوند. بسیاری خود را ناچار دیده‌اند که این توصیه را به کار ببرند و به همین خاطر خود را در خانه حبس کرده‌اند. اما حتی این روش نیز برای حراست و حفظ امنیت آنها کارگر نبوده است؛ بعضی از مصاحبه‌شوندگان ابراز داشتند که همسایه‌ها به طور دایم به شیشه‌ی خانه‌ی آنها سنگ پرتاب کرده‌اند.

یکی دیگر از موارد اصلی نگرانی پناهجویان و پناهندگانی که در مصاحبه شرکت کردند تبعیضی است که در یافتن محل سکونت، کار، خدمات اجتماعی و تحصیل با آن روبرویند. به گزارش آنان، با فاش شدن گرایش جنسی و هویت جنسیتی ایشان، یا صاحب‌خانه از اجاره‌ی خانه به آنها سرباز زده است و یا آنان را وادار به تخلیه‌ی خانه کرده است. بسیاری، به دلیل موقعیت پرورنده‌شان که تعلق به جامعه‌ی دگرباش جنسی است، به هیچ صورت قادر به یافتن کار نشده‌اند و چند نفری که موفق به یافتن کار شده‌اند، گفتند که پس از آن که گرایش

<sup>29</sup> همان، 277

<sup>30</sup> همان 277

<sup>31</sup> Joseph Landau, "Soft Immutability" and 'Imputed Gay Identity': Recent Developments in Transgender and Sexual-Orientation-Based Asylum Law," *Fordham Urban Law Journal* 32 (2005): 237, <http://www.articlearchives.com/international-relations/national-security-foreign/610505-1.html> (accessed February 12, 2009).

<sup>32</sup> «تپ»، واژه‌ای ترکی است و در فارسی به معنی گوی و توپ است. این اصطلاح، تحقیرآمیز برای توصیف کسانی که کار می‌رود در کنش جنسی بین مردان نقش "دهنده" و منفعل را ایفا می‌کنند.

جنسی و یا هویت جنسیتی آنان فاش شده است، از کار خود اخراج شده‌اند و در مواردی این اخراج همراه با اعمال خشونت شدید بوده است. از آنجایی که تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان قادر به تأمین مخارج روزمره‌ی زندگی خود نبوده‌اند، بسیاری از آنان به سازمان‌های خیریه‌ی محلی و بنیادهای دولتی برای دریافت کمک مراجعه کرده‌اند. شمار بسیاری رفتار مسوولان این سازمان‌ها، و نیز مراجعین آنها را، توأم با تمسخر و توهین توصیف کردند و بعضی دیگر اظهار داشتند که به دلیل موقعیت پرونده‌شان که تعلق به جامعه‌ی دگرباشان جنسی است این سازمان‌های خیریه از ارایه‌ی کمک به آنان خودداری کرده‌اند. برخی که در کلاس‌های آموزش بزرگسالان شرکت کرده بودند پس از این که از جانب دیگر پناهجویان و پناهندگان طرد شدند بلافاصله از شرکت در کلاس دست کشیدند. با این وجود، طبیعی است که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان ابراز دارند در طول مدتی که در انتظار دآوری پرونده‌ی پناهندگی خود بوده‌اند عمیقاً احساس انزوا و افسردگی می‌کرده‌اند.

روش‌های بکار رفته در روند پناهندگی از جانب مسوولان محلی نیز مایه‌ی نگرانی است. مصاحبه‌شوندگان ابراز داشتند که مسوولان وزارت داخله‌ی ترکیه و کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل که مسوولیت بررسی و ارزیابی پرونده‌ها را داشته‌اند سوابق‌هایی مطرح می‌کرده‌اند که گاه تجاوز به حریم شخصی فرد محسوب می‌شده و گاه هرزه‌بین و توهین‌آمیز بوده است. از بعضی‌ها سوال شده است که پوزیشن جنسی مورد علاقه‌شان چیست، و یا چند شریک جنسی داشته‌اند. دوره‌ی دراز دآوری کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل همراه با نگرانی‌های دگرباشان جنسی از نقطه نظر امنیت و حراست، یکی دیگر از منابع‌های اضطراب عمیق ایشان بود. با وجود آن که به طور معمول پرونده‌ی دگرباشان جنسی در UNHCR به سرعت بررسی می‌شود، مصاحبه‌شوندگان گاه تا هشت ماه در انتظار زمان مصاحبه مانده‌اند و گاه تا یک سال برای دریافت دآوری این سازمان مبنی بر قبولی یا عدم قبولی خود صبر کرده‌اند. آنانی که از UNHCR قبولی دریافت کرده‌اند، همچنان در اضطراب روند کثرتار انتقال به کشور سوم قرار داشته‌اند. بر این اضطراب، این واقعیت که ضرورتاً همراه با جفت و شریک زندگی خود برای اسکان به کشور سوم معرفی نخواهند شد نیز اضافه شده است.

### پیش‌انهاها

مطالعات انجام شده برای تهیه‌ی این گزارش به ضرورت تغییرات بسیاری اشاره می‌کند، از جمله بازنگری مراحل تکمیل پرونده، بازنگری معیار تعیین اولویت‌ها، و بازنگری در تخصیص منابع. برخی از این تغییرات بستگی مستقیم به تحول بنیادین در پیشداوری‌ها و باورهای حک شده در فرهنگ و افکار عمومی دارند. در غیبت چنین تحولاتی که موکول به آینده‌اند، نیاز به ایجاد امکانات ملموس و واقعی برای پناهجویان و پناهندگان در ترکیه همچنان هدفی دور از دست خواهد بود.

عاجل تر از هر نیازی تأمین امنیت فیزیکی و جانی پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی است. دولت ترکیه می‌بایست راهکارهای قاطع و موثر برای پیشگیری، پایان دادن، و مجازات اعمال خشونت آمیز علیه این افراد اتخاذ کند. از راهکارهای موثر در این زمینه، آموزش پلیس محلی در خصوص گرایش‌های جنسی و هویت جنسیتی است که اگر با کمک سازمان‌های محلی حقوق دگرباشان جنسی انجام شود، به احتمال زیاد نتیجه‌ی بهتر به دست خواهد داد. در همین راستا، پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی می‌بایست مجاز به سکونت در شهرهایی باشند که رواداری بیشتری نسبت به گرایش‌های جنسی دارد و از محل‌هایی که تأمین امنیت آنان به طور موثر ممکن نیست، به محل دیگری منتقل شوند، و به طور عمده، باید مجاز باشند در آن دسته شهرهای ترکیه که جمعیت قابل توجهی از دگرباشان جنسی محلی دارد و سازمان‌های محلی حمایت از حقوق دگرباشان جنسی در آن جا مستقرند، سکونت کنند.

همچنین دولت ترکیه می‌بایست تشویق به برداشتن گام‌های موثر و گسترده‌ی قانونی در حمایت و حراست تمام افراد دگرباش جنسی، و از جمله پناهجویان و پناهندگان دگرباش شود. این گام‌ها باید شامل اصلاح قوانین، از جمله قانون اساسی و قوانین مجازات ترکیه بشود تا از اعمال تبعیض بر پایه‌ی گرایش جنسی و هویت جنسیتی، در یافتن مسکن، کار، و دستیابی به خدمات دولتی جلوگیری شود. همچنین گرایش جنسی و هویت جنسیتی، می‌بایست به لیست مواردی که در چارچوب قوانین موجود این کشور نیاز به حراست دارند، افزوده شود. دست آخر، دولت ترکیه می‌بایست به قطعنامه‌ی سال 2008 سازمان ملل متحد در دعوت برای جرم‌زدایی از همجنسگرایی پاسخ مثبت بدهد.

در چارچوب امکانات موجود نیز دولت ترکیه قادر است گام‌های مثبت برای کاهش دشواری‌های اقتصادی که تمام پناهجویان و پناهندگان در ترکیه با آن روبرو هستند بردارد. چنین گام‌هایی به خصوص در کاهش تأثیرات مخرب و دردناک انزوای دگرباشان جنسی موثر خواهد بود. برای شروع، مبلغی که به عنوان حق سکونت در خاک ترکیه اخذ می‌شود از پناهندگان و پناهجویان تنگدست گرفته نشود. همچنین، ملزومات مالی و اداری دریافت اجازه‌ی کار برای پناهجویان کاهش یابد و نیز حداقلی از امنیت در محل کار برای ایشان تامین شود. افزون بر این، دولت می‌بایست گام‌های لازم را بردارد تا امکان برخورداری دگرباشان جنسی و دیگر پناهجویان و پناهندگان از خدمات بهداشتی و حمایت‌های اجتماعی که در اختیار دیگر شهروندان ترکیه در شرایط مشابه قرار دارد، میسر شود.

شرایط پناهنده‌گری و اسکان برای پناهجویان دگرباش جنسی در هر کدام از مراحل مربوط به کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل، دولت ترکیه، و کشور سوم باید تسریع شود. افزون بر این، تمام طرف‌های درگیر می‌بایست آموزش متمرکز بر تعمیق دریافت و درک از مسایل مربوط با گرایش جنسی و هویت جنسیتی را در فعالیت‌های خود نهادینه کنند. روش‌های به کار رفته در مصاحبه‌ها می‌بایست به گونه‌ای اصلاح شوند تا نسبت به پناهجویان و پناهندگان توهین‌آمیز نبوده و همزمان، با حسن نیت، قادر به دریافت و داوری در ادعاهای مبنی بر گرایش جنسی و هویت جنسیتی دگرباشی جنسی باشند. افزون بر این، این مصاحبه‌ها می‌بایست در محیطی کاملن محرمانه صورت بگیرند. کشورهای پناهنده‌پذیر می‌بایست شمار پناهنده‌های دگرباش جنسی که در کشور خود می‌پذیرند را افزایش دهند.

دامنه‌ی آموزش در خصوص گرایش جنسی و هویت جنسیتی می‌بایست تا دوایر بهداشت، حمایت عمومی، و آموزش و پرورش نیز گسترش پیدا کند تا پذیرش و رواداری نسبت به پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی را افزایش دهد و محیطی را ایجاد کند که در چارچوب آن تبعیض روا نباشد. در این مرحله، تشویق گروه‌های محلی حامی حقوق دگرباشان جنسی برای تداوم حمایت از پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی در فعالیت‌های اجتماعی سیاسی این گروه‌ها ضرورت دارد.

دست آخر، برای اطمینان از وجود امکانات کافی خدمت‌رسانی به دگرباشان جنسی و دیگر پناهجویان و پناهندگان، ارگان‌های دولتی، نهادهای خدمات اجتماعی، و سازمان‌های غیرانتفاعی، و کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل می‌بایست به تعداد کافی مترجمان آموزش‌دیده را استخدام کرده به کار بگمارند. این مترجمان می‌بایست در خصوص مسایل محرمانه آموزش ببینند و نیز عبارات و اصطلاحات مناسب و غیرتوهین‌آمیز را در برخورد با پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی به کار گیرند. اگر ضرورت عاجل نباشد، مترجم از میان دیگر پناهندگان ساکن محل دعوت به همکاری نشود. رعایت این مورد می‌تواند امنیت محیط مصاحبه را تامین کند و به دگرباشان جنسی امکان دهد در مورد گرایش جنسی مورد ادعای خود با صراحت بیشتر پیشدستی کنند.

## روش‌شناسی و واژه‌شناسی

## روش‌شناسی

این گزارش بر پایه‌ی اطلاعات به دست آمده از 46 پناهجوی دگرباش جنسی ساکن ده شهر گوناگون در ترکیه، تهیه شده است.<sup>33</sup> سی و دو نفر از این افراد در روزهای پیشین یک سفر یک‌هفته‌ای به محل، و نیز در طول این سفر، در فاصله جون تا جولای 2008 در شهرهای کایسری، نوشهر، اسپارتا، و اسکی‌شهر در مصاحبه شرکت کرده‌اند. این شهرستان‌های پناهجو پذیر به این خاطر انتخاب شدند که بیشترین تعداد پناهجویان دگرباش جنسی در ترکیه در این شهرها سکونت داده شده‌اند. باقیمانده‌ی مصاحبه‌شوندگان اطلاعات خود را برای استفاده در این گزارش در طول مدتی که تحت پوشش قانونی برنامه‌ی HCA، حمایت و دفاع از پناهجویان RSAP قرار داشتند، ارائه دادند. رونوشتی از پرسشنامه‌ای که بر اساس آن این مصاحبه‌ها در شهرستان‌های پناهجو پذیر ترکیه انجام شد، در پانوش A موجود است.

مراحل مصاحبه با رعایت کامل ملزومات اخلاقی هم‌کاری با افراد آسیب‌پذیر انجام شده است: هر یک از افرادی که در مصاحبه شرکت نمود، آگاهانه و پیش از پاسخ‌گویی، به HCA اجازه داد تا از اطلاعاتی که ارائه داده بود در این گزارش استفاده کند. به آن دسته از پناهجویانی که با روند فعالیت‌های HCA در حمایت حقوقی و دفاعی در ترکیه آشنا نبودند، اطلاعات لازم داده شد. تمام مصاحبه‌شوندگان از دلایل انجام مصاحبه اطلاع یافته و این دلایل را درک کردند. نیز، پیش از انتشار گزارش، از آنان دعوت شد تا یک بار متن را مرور کنند و نظر بدهند؛ بیست و سه تن از مصاحبه‌شوندگان این کار را کردند.

برای اطمینان از امنیت و محفوظ ماندن هویت مصاحبه‌شوندگان، هر گونه اطلاعاتی که احتمال داده شد منجر به فاش شدن هویت فرد باشد، از متن گزارش حذف شد. تمامی مصاحبه‌شوندگانی که از آنها نقل قولی در متن ذکر شد، به طور مشخص و دقیق اجازه دادند و متن عبارات خود، و شیوه‌ی نقل را تایید کردند. تمام مصاحبه‌شوندگان تحت پوشش HCA قرار دارند.

## واژه‌شناسی

در متن گزارش به "LGBT" (لزبین، گی، بای‌سکسوال و ترنس‌جندر) و به "پناهجویان" و "پناهندگان" اشاره می‌شود.

سَرنام "دگرباش" در ترجمه فارسی برای تعریف شمار گسترده‌ای از گرایش‌های جنسی و جنسیتی به کار می‌رود.

"گرایش جنسی" به "قابلیت شخص برای ایجاد و احساس علاقه و کشش عمیق عاطفی و جنسی به، و رابطه‌ی نزدیک و صمیمانه و جنسی با افرادی از جنس متفاوت و هم‌جنس و یا به بیش از یک جنس" اطلاق می‌شود.<sup>34</sup> "هویت جنسیتی" به معنای "دریافت عمیق فرد از هویت درونی و شخصی از جنسیت خود، که ممکن است با جنسیت مادرزاد او همخوانی داشته یا نداشته باشد، و نیز دریافت حسی شخص از تن خود ... و دیگر نمودهای جنسیتی، لباس، شیوه‌ی سخن گفتن و رفتار" تعریف می‌شود.<sup>35</sup> "گرایش جنسی" ای که به فرد نسبت داده می‌شود لزومن به معنای "هویت جنسیتی" خاص نیست.<sup>36</sup> از طرف دیگر، هویت جنسیتی فرد

<sup>33</sup> آنکارا، اسکی‌شهر، اسپارتا، استانبول، کایسری، کیریکاله، قونیه، نوشهر، نیده، و وان

<sup>34</sup> The Yogyakarta Principles, "Principles on the Application of International Human Rights Law in relation to Sexual Orientation and Gender Identity," March 2007, [http://www.yogyakartaprinciples.org/principles\\_en.pdf](http://www.yogyakartaprinciples.org/principles_en.pdf) (accessed May 10, 2009), 6.

<sup>35</sup> همان

<sup>36</sup> American Psychological Association, "Answers to Your Questions About Transgender Individuals and Gender Identity," 2006, <http://www.apa.org/topics/transgender.html#relationship> (accessed May 12, 2009).



لرژمن نشان گرایش جنسی نسبت داده شده به فرد نیست. افزون بر این "گرایش جنسی" و "هویت جنسیتی" مفاهیمی سیال‌اند و در بین افراد گوناگون و در دوره‌های گوناگون زندگی فرد صورت‌های گوناگون به خود می‌گیرند.

برای این گزارش ما واژه‌های دیگری که مربوط به موضوع بوده‌اند را نیز تعریف کرده‌ایم:

- "لزبین" به زنی گفته می‌شود که کشش جنسی و عاطفی به زنان دیگر داشته باشد؛
- "گی" به مردی گفته می‌شود که کشش جنسی و عاطفی به مردان دیگر داشته باشد؛
- "بایسکسوال" به مرد یا زنی گفته می‌شود که کشش جنسی و عاطفی هم به مردان و هم به زنان دیگر داشته باشد؛
- "ترنس‌جندر" به کسی گفته می‌شود که با جنسیت مادرزادی خود به طور کامل همخوانی ندارد و یا کاملن با جنسیت مخالف جنسیت مادرزادی خود همخوانی دارد.

هنگام اشاره به افراد دوجنسگونه (ترنس‌جندر)، در این گزارش گاه این عبارات به کار گرفته شده‌اند:

- "مرد-به-زن" (MTF)، اشاره به کسی دارد که در قالب مرد به دنیا آمده است اما خود را کاملن به عنوان زن می‌شناسد؛ و
- "زن-به-مرد" (FTM) اشاره به کسی دارد که در قالب زن به دنیا آمده است اما خود را کاملن به عنوان مرد می‌شناسد.

هنگام اشاره به "پناهجو" و "پناهنده" این گزارش به معنای قانونی و تکنیکی این عبارات نظر دارد:

- "پناهجو" به کسی اطلاق می‌شود که از کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل، و دولت ترکیه، پیرو معاهده‌ی 1951 ژنو و قوانین محلی تکمیلی در ارتباط با آن، تقاضای حمایت و حراست کرده است، و درخواست‌نامه‌ی او هنوز در انتظار رای نهایی است.
- "پناهنده" به کسی اطلاق می‌شود که درخواست‌اش به طور رسمی پذیرفته شده است و شامل حمایت و حراست از جانب کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل متحد، و دولت ترکیه، و یا هر دو می‌شود.

اکثریت غالب مهاجران بیرون از چارچوب معاهده‌ی 1951 جای می‌گیرند، و به همین خاطر نه "پناهجو" هستند و نه "پناهنده". همه‌ی "پناهندگان"، اول "پناهجو" بوده‌اند و سپس درخواست آنان مبنی بر حمایت و حراست پذیرفته شده است. باید دانست که درخواست بسیاری از "پناهجویان" قبول نمی‌شود و در نتیجه از "حمایت و حراست پناهندگی" محروم می‌شوند.

## بافته |ها

## سیستم پناهندگی ترکیه : نارسایی های روند اسکان در داخل کشور ترکیه، کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل، و کشور سوم

مراحل پناهجویی در وزارت کشور

## ثبت نام

در ترکیه افراد غیراروپایی که از کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد درخواست حمایت دارند می‌بایست همچنین اجازه‌ی اقامت در این کشور را نیز دریافت کنند و به وزارت داخله‌ی ترکیه درخواست "پناهجویی موقت" بدهند (MOI).<sup>37</sup> به طور معمول پناهجویان اول در کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد ثبت نام می‌کنند و سپس از سوی کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد و با هماهنگی MOI به "شعبه‌ی اتباع خارجی پلیس" در یکی از سی شهرستان پناهجو پذیر که غالباً در مناطق دور از مرز قرار دارند، معرفی می‌شوند.<sup>38</sup> پناهجویان در تعیین شهر محل سکونت خود انتخاب چندانی ندارند و برای تغییر محل تعیین شده، با دشواری‌های بسیار روبرو می‌شوند.<sup>39</sup> آنها می‌بایست "بدون فوت وقت" خود را به "پلیس اتباع خارجی" در محل تعیین شده معرفی کنند.<sup>40</sup> در زمان ثبت نام، پلیس هویت پناهجو را مشخص می‌کند و مصاحبه‌ای کامل و جزئی‌نگر انجام می‌دهد.<sup>41</sup> در مواقع لزوم MOI می‌بایست مترجمی واجد شرایط، از جنسیتی که پناهجو ترجیح بدهد، در اختیار وی بگذارد.<sup>42</sup> اندک زمانی پس از ثبت نام، پلیس، به صورت رایگان، برای پناهجو "کارت شناسایی" صادر می‌کند.<sup>43</sup> پس از ثبت نام، پناهجو می‌بایست برای امضا، هر چند روز یکبار و گاه هر روز، به پلیس اتباع خارجی مراجعه کند تا

37 بنگرید به

Regulation No. 1994/6169 on the "Procedures and Principles Related to Population Movements and Aliens Arriving in Turkey Either as Individuals or in Groups Wishing to Seek Asylum Either from Turkey or Requesting Residence Permission in order to Seek Asylum From Another Country" ("1994 Asylum Regulation").

38 MOI فهرست « شهرستانهای پناهجو پذیر » را با فاصله‌های زمانی مشخصی تجدیدنظر و جای‌گزین می‌کند. این شهرها عبارتند از: افیون کاراشهر، آغری، آکسارای، آماسیا، بالیکشهر، بیلجیک، بوردو، چانکری، اسکیشهر، قاضی‌انتپ، حکاری، هاتای، اسپارتا، کارامان، کاستامونو، کایسری، کیریکالا، کیرشهر، قونیه، کوتاهیا، مرسین، نوشهر، نیده، سیرنک، سیواش، توکات، وان، و یوگات.

39 فقط کسانی که با اعضای خانوادگی نزدیک‌شان در شهرستان‌های پناهجو پذیر ویژه یا کسانی که با سند پزشکی برای درمان در استان‌های بخصوص می‌توانند در خور این شرایط شوند. بنگرید به

Ministry of Interior General Directorate of Security Circular No.57, "Implementation Directive," June 22, 2006 ("2006 Circular"), Article 15.

40 1994 Asylum Regulation, Article 4.

بخشنامه‌ی 2006، بند 3-5. دیگر اطلاعات گردآوری شده از متقاضیان پنججویی زمان ثبت‌نام، شامل: مدارک مسافرتی نظیر پاسپورتی<sup>41</sup> که برای ورود به ترکیه استفاده شده است، مسیر و کشورهای ترانزیت تا مقصد ترکیه، هر نوع درخواست تامین امنیت بین‌المللی از هر یک از کشورهای ترانزیت، ملیت‌های دیگر پناهجو به غیر از ملیت وی در کشور مبدأ، هر آشنا یا عضوی از خانوادگی وی که مقیم ترکیه است، و در موارد «ورود غیرقانونی»، اطلاعات دربارگی اشخاصی که وسایل ورود او به کشور ترکیه را فراهم کرده‌اند، می‌شود. ثبت‌نام باید در ظرف 30 روز تکمیل شود و درخواست پناهجویی به مراجع قضایی ارائه گردد.

42 2006 Circular, Basic Principles, Conditions of the Applicant's Right to Benefit from an Interpreter.

43 2006 Circular, Article 3. That provision stipulations that applicants must be issued these cards within 15 days of their application.

معلوم باشد که همچنان در شهرستان پناهجو پذیر تعیین شده برای سکونت وی به سر می‌برد.<sup>44</sup> پناهجویان می‌توانند برای دریافت برگه‌ی خروج به منظور ترک موقت شهرستان پناهجو پذیر مورد سکونت خود، برای مرخصی حداکثر 15 روزه، درخواست بدهند.<sup>45</sup>

سپس مانند تمام غیرشهروندانی که مایلند در ترکیه بمانند، پناهجویان می‌بایست برای دریافت برگه‌ی اقامت، درخواست بدهند. بهای برگه‌ی اقامت که باید به تعداد افراد یک خانواده خریداری و هر شش ماه یکبار تجدید شود از عهده‌ی مالی بسیاری از پناهجویان خارج است.<sup>46</sup> کسانی که برگه‌ی اقامت ندارند برای دستیابی به خدمات درمانی، آموزش، حمایت اجتماعی، و کاریابی با دشواری روبرویند.<sup>47</sup> با وجود آن پناهجویان تنگدست می‌توانند از مقامات محلی درخواست بخشش بهای برگه‌ی اقامت را بکنند،<sup>48</sup> اما این درخواست بسیار به ندرت پذیرفته می‌شود.

تمام پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی که برای تهیه‌ی این گزارش در مصاحبه شرکت کردند، در شهرستان‌های پناهجو پذیر محل سکونت خود ثبت نام کرده بودند و به طور مرتب، طبق برنامه‌ی تعیین شده، برای امضا در محل پلیس اتباع خارجی حاضر می‌شدند. با وجود آن که بسیاری از رفتار و برخورد پلیس محلی اتباع خارجی ابراز رضایت می‌کردند، اضافه کردند که از جانب پلیس به آنها هشدار داده شده است که ظاهر خود را تغییر دهند تا هدف حمله‌ی خشونت‌آمیز قرار نگیرند. یک دوجنسگونه‌ی MTF پناهجوی ساکن نوشهر می‌گوید:

*رفتار پلیس اتباع خارجی معمولن خوب است. من اولین دوجنسگونه‌ی نوشهر بودم. وقتی که وارد این شهر شدم، پلیس در مورد موقعیت این جا به من توضیح داد و گفت که چطور زندگی کنم و چطور خودم را با محیط تطبیق بدهم. به من گفتند که مواظب باشم. گفتند که چطور حرف بزنم. گفتند لباس مردانه بپوشم. گفتند مثل مردها راه بروم.*

مورد مشابه دیگر، پناهجوی MTF ساکن کایسری توصیه‌ی پلیس را این گونه توصیف می‌کند:

*روزی که برای دریافت کارت شناسایی پناهجویی مراجعه کردم، موهایم بلند بود و آرایش داشتم. از من قول گرفتند که دیگر در آینده چنان ظاهری نداشته باشم. گفتند که این توصیه را برای خاطر امنیت خود من به من می‌کنند.*

توصیه‌هایی از این دست، اولین نشانه‌هایی است که معلوم می‌دارد که اگر به دلیل ظاهر خود، این افراد هدف حمله مردم محلی قرار بگیرند، پلیس قادر به حفظ امنیت فیزیکی آنان نخواهد بود.

با آن که تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان بلافاصله ثبت نام کرده و کارت شناسایی "پناهجویی" دریافت کرده بودند، غالب آنان گفتند که بهای برگه‌ی اقامت از عهده‌ی مالی آنها خارج است. شماری از مصاحبه‌شوندگان

<sup>44</sup> بسته به شهر محل سکونت، پناهجو می‌بایست هر روز و یا هر چند هفته یکبار در ادارای پلیس اتباع خارجی حاضر شده و «امضا کند».

<sup>45</sup> 2006 Circular, Article 17.

<sup>46</sup> هزینه‌ی اقامت، هر ساله از سوی وزارت دارایی مقرر می‌شود و در قانون مجموع قیمت‌ها (شماره‌ی 492) ثبت شده است. در سال 2008، هزینه‌ی شش‌ماهه‌ی اقامت 273.80 یتله برای هر فرد به‌اضافه‌ی 81 یتله برای دفترچه‌ی اقامت بوده است که این هزینه‌ی دفترچه یکبار پرداخت می‌شود. این مبلغ در آپریل 2009 معادل 225 دلار آمریکا یا 165 یورو است.

<sup>47</sup> افزون بر آن، اگر پناهجو از سوی UNHCR به‌عنوان پناهنده شناخته شود، اما این هزینه را نپرداخته باشد، می‌بایست هزینه‌ی اقامت‌اش را بپردازد تا مراجع قضایی ترکیه به وی اجازه دهند برای رفتن به کشور سوم از ترکیه خارج شود.

<sup>48</sup> Law on the Collection of Fees (No. 492), Article 88 cites "inadequate financial situation, as determined by local administrative authorities" as a ground for exemption.

می‌دانستند که درخواست بخشش/لغو بهای برگه‌ی اقامت حق آنهاست اما آن تعداد اندکی که درخواست بخشش داده بوده‌اند، درخواست‌شان رد شده بود. به هیچکدام دلیلی برای رد این درخواست ارایه نشده بود.

مصاحبه‌شوندگان همچنین گزارش داده‌اند که پلیس همواره به درخواست خروج موقت از شهرستان‌های پناهجو پذیر جواب مثبت داده است. با این وجود افزودند که پلیس برای صدور اجازه با رعایت ملاحظات شدید و با احتیاط عمل کرده است. برخی از افسران از پناهجویان خواسته‌اند تایید کتبی قرار ملاقات با UNHCR و یا دیگر بنیان‌های خدمات‌رسانی در شهر مزبور که پناهجو قصد سفر به آن داشته است را ارائه دهند، و برخی دیگر هیچ گونه مدرکی نخواستند.

امکان دسترسی به مترجم در شهرستان‌های پناهجو پذیر یکسان نیست. در یکی از شهر مرکزی آناتولی به نام کایسری، مصاحبه‌شوندگان گفتند که از قابلیت و کاردانی مترجمی که در استخدام پلیس اتباع خارجی است، بسیار راضی‌اند. اما مصاحبه‌شوندگانی که در نوشهر سکونت داشتند نگرانی خود را از عدم کاردانی و قابلیت حرفه‌ای مترجم پلیس اتباع خارجی ابراز کردند. ترس آنان این بود که این فرد، که خود نیز پناهنده است، گرایش جنسی و هویت جنسیتی آنان را برای دیگر پناهجویان ساکن نوشهر فاش کند. در شهر اسپارنا، دگرباشان ایرانی پناهجو گفتند که ایجاد ارتباط با مصاحبه‌کننده از طریق مترجم برای ایشان سخت است زیرا آشنایی او به زبان و اصطلاحات فارسی کمتر از آن است که بتواند منظور ایشان را کاملن درک و سپس منتقل کند. دست آخر، در اسکی شهر، یک پناهجوی عرب گفت مترجم زبان عربی در آن شهر وجود ندارد او به ناچار با پلیس به "انگلیسی شکسته بسته" سخن می‌گوید.

### مصاحبه‌ای "پناهجویی موقت"

پناهجویان پس از آن که در شهر ماهواره‌ای تعیین‌شده ثبت نام کردند، از طرف پلیس اتباع خارجی مورد مصاحبه‌ای دقیق و جزئی‌نگر برای تعیین موقعیت پناهندگی خود قرار می‌گیرند.<sup>49</sup> هدف این مصاحبه آن است که معلوم دارد آیا درخواست‌کننده واجد شرایط "پناهندگی موقت" در ترکیه هست یا نه. کسانی که در چارچوب ضوابط قرار بگیرند اجازه پیدا می‌کنند به طور موقت در این کشور ساکن شوند تا موقعیت پناهندگی آنان از جانب کمیسارک عالی پناهندگان ملل متحد تعیین شود.<sup>50</sup> در غالب موارد MOI به درخواست‌کنندگان اطلاع می‌دهد که با تقاضای ایشان موافقت نشده است؛ درخواست‌کننده قادر است در این شرایط، در طول مدت 15 روز تقاضای تجدید نظر بکند. به ندرت به تقاضاهای اولیه‌ی "پناهندگی موقت" پاسخ مثبت داده می‌شود. وزارت داخله‌ی ترکیه معمولن زمانی به طور رسمی به درخواست‌کننده اجازه‌ی "پناهندگی موقت" اعطا می‌کند که تمامی مراحل مربوط در روند پناهجویی با موفقیت طی شده باشد و پناهنده در حال ترک کشور باشد.

پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی که در این مصاحبه شرکت کردند از تجربیات گوناگون خود در روند داوری "پناهندگی موقت" سخن گفتند. شمار قابل توجهی از برخورد افسران پلیس مصاحبه‌کننده اظهار رضایت کردند. آنها اظهار داشتند که افسران پلیس مصاحبه را "با متانت" انجام داده‌اند. یک پناهجوی ایرانی FTM چنین گفت:

*من توسط یک افسر پلیس مرد مصاحبه شدم. او خیلی مودب بود. وقتی از من درباره‌ی رابطه‌ی جنسی من با زنان در ایران سوال کرد خیلی معذب بودم. مترجم هم یک پناهنده‌ی ایرانی بود و من دوست نداشتم اطلاعاتی در آن حد خصوصی را در حضور او به زبان بیاورم. با این حال افسر پلیس مرا دلداری داد و اضافه کرد که موظف است آن سوال‌ها را مطرح کند.*

<sup>49</sup> Ministry of Interior General Directorate of Security Circular No.57, "Implementation Directive," June 22, 2006 ("2006 Circular"), Article 9. As per the 1994 Asylum Regulation, Article 3, if the applicant falls into the definition of "refugee" set out in Article 1 of the 1951 Convention, MOI will grant the applicant "temporary asylum seeker" status.

<sup>50</sup> MOI داوری خود در «پناهندگی موقت» را با UNHCR در میان می‌گیرد و UNHCR نیز همین کار را در خصوص داوری پرونده‌های پناهجویان با MOI انجام می‌دهد. UNHCR گاه به گاه لیستی از داوری‌های خود را به وزارت امور خارجه‌ی ترکیه تسلیم می‌کند، و این لیست از آنجا به MOI داده می‌شود. هر چند MOI به نظرات خود را براساس داوری‌های UNHCR صادر نمی‌کند اما تصمیمات مربوط به تعیین موقعیت "پناهندگی موقت" این ارگان، تصمیمات و روند داوری UNHCR را معمولن در نظر دور نمی‌دارد.

با وجود گزارش‌های مثبتی از این دست تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان ابراز داشتند که از آنها سوال‌هایی شدیداً هتاک و محرمانه در خصوص تاریخچه‌ی روابط و تجربیات جنسی آنها پرسیده شده است. یک پناهجوی ایرانی ه‌مجسگرای مرد، گفت:

*(افسر پلیس) از من پرسید چگونه با پارتنرم سکس داشتم، و از پوزیشن‌های گوناگون جنسی ما، و همینطور درباره‌ی جزییات دیگر رابطه‌ی جنسی من سوال کرد. من به شدت معذب شده بودم. فکر می‌کنم زندگی جنسی من باید مسالمت‌آمیز و محرمانه و فقط مربوط به خود من باشد.*

شکایت مشترک دیگری که مطرح شد این بود که محرمانه بودن اطلاعاتی که پناهجویان طی مصاحبه‌ی "پناهندگی موقت" ارائه می‌دهند، حفظ نمی‌شود. برای مثال، پناهنده‌ای که در بالا از او نقل قول شد در اتاقی که چند تن دیگر از افسران مشغول به کار بودند مصاحبه شده بود. حضور آن افسران و عکس‌العمل‌های تمسخرآمیزشان، به ناهنجاری موقعیت دشوار مصاحبه‌شونده هنگام پاسخگویی در باره‌ی تاریخچه‌ی روابط جنسی‌اش افزوده بود:

*وقتی من از گرایش جنسی‌ام حرف زدم، آنها زدند زیر خنده. وقتی از روابط جنسی‌ام گفتم، خنده‌شان شدیدتر شد.*

## مراحل مربوط به کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد

از تاریخ شروع مطالعات مربوط به این گزارش، تا زمان انتشار آن، تحولات مثبت و قابل توجهی در شیوه‌ی برخورد کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد با پناهجویان دگرباش جنسی صورت گرفت که انعکاس آن در تغییر مقررات اداری و نیز در عمل، در ترکیه مشاهده شد. هرچند کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد به تنهایی قادر به ترمیم نارسایی‌های موجود در شرایطی که پیش روی پناهجویان و پناهندگان دگرباش در ترکیه موجود است، نمی‌باشد، این سازمان می‌تواند گام‌های موثرتری در کاهش این نارسایی‌ها بردارد.

### ثبت نام

روند تعیین موقعیت پناهندگی در قدم نخست شامل یک مصاحبه برای ثبت نام است. با آن که برخی از مصاحبه‌شوندگان تا سه ماه برای انجام این مرحله منتظر مانده بودند، اما در کل از برخورد کارکنان کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد در این مرحله اظهار رضایت کردند. قابل توجه است که دگرباشان جنسی ابراز داشتند از جانب دیگر پناهجویان، چه بیرون از ورودی کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد و چه در سالن انتظار مورد آزار و توهین قرار گرفته‌اند. یک پناهجوی ایرانی همجنسگرای مرد ماجرای که در سالن انتظار برایش اتفاق افتاده بود را اینگونه تعریف کرد:

*پناهجویان دیگر و بچه‌هاشان ما را مسخره کردند. من همراه پارتنرم بودم و ما به شدت احساس طردشدگی و تنهایی کردیم ... مادرها به جای این که به فرزندان‌شان بگویند که به ما نهند، خودشان هم همراه بچه‌هاشان به ما می‌خندیدند.*

وقتی که مرحله‌ی ثبت نام به انجام می‌رسد به پناهجویان تاریخ "مصاحبه‌ی اول" داده می‌شود. این مصاحبه بسیار با اهمیت است و سرنوشت قبولی و یا ردی "موقعیت پناهندگی" را تعیین می‌کند.<sup>51</sup> نظیر دیگر پناهجویان، مصاحبه‌کنندگان ابراز داشتند که بین هشت ماه تا یک سال تا موعد مصاحبه‌ی اول‌شان صبر کرده بودند. مدت انتظار، بسته به امکانات کارکنان کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد در برهه زمان مشخص، متفاوت بوده است. مصاحبه‌شوندگان دگرباش جنسی همه به شدت از طول زمان انتظار برای "مصاحبه تعیین

<sup>51</sup> UN High Commissioner for Refugees, "Procedural Standards for Refugee Status Determination Under UNHCR's Mandate," September 2005, Sections 3.2, 4.3, <http://www.unhcr.org/publ/PUBL/4316f0c02.html> (accessed January 22, 2009).

موقعیت پناهندگی"، RSD، ابراز نگرانی می‌کردند زیرا می‌ترسیدند کمبود امکانات مالی، محدودیت‌های دستیابی به مسکن، و نارسایی خدمات اجتماعی، ادامه‌ی حیات و تحمل شرایط موجود را در طول زمان تعیین شده غیرممکن کند. نگرانی شدیدتر اما عدم امنیت بود. شماری از پناهجویان گفتند که می‌ترسند پیش از زمان مصاحبه به قتل برسند.

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان که نگران مدت زمان تعیین شده بودند به کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد درخواستی برای تسریع موعد تسلیم کرده بودند. درخواست شماری از آنها قبول شده بود اما شمار غالب آنها گفتند که پاسخی به درخواست آنها داده نشده است. کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد آخرین اقداماتی به کار گرفته است که مدت زمان تعیین شده تا پیش از مصاحبه‌ی اول را برای پناهجویان دگرپاش جنسی کاهش دهد. با این وجود پناهجویان دگرپاش جنسی، چند ماه برای مصاحبه منتظر می‌مانند و همچنان در این فاصله، تا زمانی که به عنوان پناهنده شناخته شوند، به شدت احساس ناامنی می‌کنند.

### مصاحبه‌های "تعیین موقعیت پناهندگی" و زمان انتظار

از جمله مسوولیت‌های کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد آن است که برای پناهجویان در مدت تعیین شده تا پیش از مصاحبه‌ی اول محیطی از "اعتماد و احترام" ایجاد کند.<sup>52</sup> پناهجویان میان مترجم زن یا مرد حق انتخاب دارند.<sup>53</sup> کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد همچنین دارای سیستمی برای پذیرش شکایات است که به پناهجویان امکان می‌دهد مشکلات پیش آمده در زمان انتظار را رسماً گزارش دهند.<sup>54</sup> مطالبات بالا در فضای مطرح می‌شود که کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد از کاهش منابع مالی، کمبود شدید نیروی انسانی، و میزان نابرابر و عظیم پناهجویان در رنج است. اظهارات مصاحبه‌شوندگان حاکی از آن است که با وجود این دشواری‌ها، برخورد کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد با مراجعین از آغاز سال 2008 تا کنون در اندازه‌ی چشمگیری بهبود یافته است. شمار زیادی از مصاحبه‌شوندگانی که در ماه‌های پایانی در این مطالعات شرکت کردند گزارش دادند که با آنها با مراعات و احترام بیشتری برخورد شده است.

کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد به غالب پناهجویان دگرپاش جنسی پناهندگی اعطا می‌کند، با وجود این بنا به اطلاعات جمع‌آوری شده برای این گزارش، دست کم تا پیش از سال 2008 برخی از کارکنان حقوقی کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد از متقاضیان دگرپاش جنسی بی‌هیچ ضرورتی سوالات بسیار خصوصی و با جزئیات دقیق، و گاه سوالاتی که تجاوز به حریم روابط و علایق جنسی آنها محسوب می‌شده است پرسیده‌اند. در یک مورد از یک پناهجوی دوهمسگونی که اظهار داشته بود برای مدت دوازده ساعت مورد تجاوز دسته‌جمعی ماموران وزارت اطلاعات ایران قرار گرفته، خواسته شده بود که جزئیات عمل جنسی را به طور کامل و صریح توصیف کند. در موردی مشابه، از یک مرد همجنسگرا به تکرار خواسته شده بود تعریف کند که آیا پارتنر وی در اولین رابطه‌ی جنسی‌شان از هیچ گونه "مابعات، ادوات، و مواد مخدر" استفاده کرده است یا نه. از بسیاری از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شده بود که آیا تجربه‌ی سکس گروهی داشته‌اند یا نه. زوج‌هایی که با هم درخواست پناهندگی کرده بودند، اظهار داشتند که از آنها در مورد پوزیشین مورد علاقه‌شان سوال شده است (مثلن "تاپ" یا "بات"). سوالاتی از این دست که تجاوز به حریم خصوصی محسوب شده و نیز لحن کارکنان کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد که گاه خشونت‌آمیز بوده است احساسات بسیاری از دگرپاشان جنسی را آزرده است. یکی از مردان همجنسگرا تعریف کرد که:

وکیلی که با من مصاحبه می‌کرد در طول مصاحبه به شدت عصبانی بود. در یک مورد به من گفت که دروغ می‌گویم. از من سوالاتی دقیق و با جزئیات در مورد شکل رابطه‌ی جنسی من پرسید. پرسید که با چند نفر

<sup>52</sup> همان، بخش 4.3.5

<sup>53</sup> همان، بخش 2.5.1

<sup>54</sup> همان، بخش 2.6

رابطه‌ی جنسی داشته‌ام. در تمام مدت مصاحبه گریه می‌کردم. جواب دادن به این سوالات خیلی دردناک بودند.

همچنین، سوال‌هایی که کارکنان حقوقی کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد مطرح کرده بودند نشان از سردرگمی ایشان در مورد چگونگی گرایش جنسی و هویت جنسیتی داشت. برای نمونه، یکی از مصاحبه‌کنندگان تعریف کرد که وکیل کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد که با او مصاحبه می‌کرده است به او گفته که به نظر نمی‌رسد او همجنسگرا باشد زیرا در کشور خود با زنی ازدواج کرده است. از مصاحبه‌شوندگانی که به شیوه‌ی معمول مردانه لباس پوشیده بودند پرسیده شده بود چرا به شیوه‌ی زنانه لباس نپوشیده‌اند. همچنین، بر اساس گزارش‌هایی که داده شد، دست کم یکی از مترجمان فارسی کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد مردان همجنسگرا را با لفظی توهین‌آمیز که معنای فاحشگی را القا می‌کند خطاب کرده است.<sup>55</sup>

از زمان ثبت نام در کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد تا موقعی که نتیجه‌ی آن پرونده اعلام شود ممکن است دو سال طول بکشد.<sup>56</sup> کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد تلاش خود را برای تسریع پرونده‌ی پناهجویانی که آسیبی‌پذیرتر از همه‌اند، از جمله دگرباشان جنسی، به کار می‌برد.<sup>57</sup> شماری از مصاحبه‌شوندگان در فاصله‌ی چهار ماه از زمان مصاحبه‌ی اول درخواست پناهندگی‌شان قبول شده بود، در حالیکه دیگران، و از جمله کسانی که از لحاظ سلامت جسمی و امنیت جانی نگرانی‌های شدید و جدی داشتند چیزی بیش از یک سال در انتظار داوری پرونده‌ی خود مانده‌اند. تمام مصاحبه‌شوندگان در طول مدتی که منتظر نتیجه‌ی داوری کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد بوده‌اند برای امنیت جسمی و جانی خود دچار نگرانی شدید بوده‌اند. بر اساس قوانین کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، کسانی که درخواست پناهندگی‌شان رد می‌شود و یا پرونده‌شان بسته می‌شود می‌توانند تقاضای تجدید نظر کرده و یا درخواست بازگشایی پرونده را بکنند.<sup>58</sup> درخواست پناهندگی تمام مصاحبه‌شوندگان پناهجوی دگرباش جنسی قبول شده بود و یا هنوز جوابی دریافت نکرده بودند.

## راهنمای تازه ای کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد برای درخواست‌های پناهندگی دگرباشی جنسی

در نوامبر 2008 کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد یک راهنمای نحوه‌ی بررسی درخواست‌های پناهندگی بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی ارائه کرد.<sup>59</sup> این راهنما که گام قابل توجهی به پیش به شمار می‌رود، گسترده‌ی وسیعی از شرایطی را مطرح می‌کند که دگرباشان جنسی در آن نیازمند حراست و حفظ امنیت می‌شوند. برای نمونه، این راهنما تصریح می‌کند که "این واقعیت که یک فرد دگرباش جنسی پناهجو هرگز شخص به خاطر عمل جنسی همجنسگرایی مورد تعقیب قانونی قرار نگرفته مانع از نگرانی و ترس او از خطر تعقیب قانونی احتمالی نیست."<sup>60</sup> همچنین، در راهنما تاکید شده است که درخواست دگرباشان جنسی،

<sup>55</sup> مترجم به جای این‌که از واژه‌ی خنثی‌ای مانند «همجنسگرا» استفاده کند به‌تکرار مردان همجنسگرا را تحقیرآمیزانه «همجنسباز» می‌نامد. اصطلاح همجنسباز برای مردانی به کار می‌رود که به خاطر پول با مردان دیگر همبستری می‌کنند.

<sup>56</sup> Helsinki Citizens' Assembly - Turkey, "An Evaluation of UNHCR Turkey's Compliance with UNHCR's RSD Procedural Standards," September 2007, [http://www.hyd.org.tr/staticfiles/files/hca\\_procedural\\_standards\\_report.doc](http://www.hyd.org.tr/staticfiles/files/hca_procedural_standards_report.doc) (accessed January 22, 2009), 10.

<sup>57</sup> UN High Commissioner for Refugees, "Procedural Standards for Refugee Status Determination Under UNHCR's Mandate," September 2005, Section 4.6.3, <http://www.unhcr.org/publ/PUBL/4316f0e02.html> (accessed January 22, 2009).

<sup>58</sup> همان، بخش 7.1 و 9.2

<sup>59</sup> UN High Commissioner for Refugees, "UNHCR Guidance Note on Refugee Claims Relating to Sexual Orientation and Gender Identity," November 21, 2008, <http://www.unhcr.org/refworld/docid/48abd5660.html> (accessed January 31, 2009).

<sup>60</sup> همان، پاراگراف 24

چه از جانب ماموران دولتی مورد آزار و اذیت قرار گرفته باشند و چه از جانب عاملان خصوصی‌ای که مقامات دولتی مایل و قادر به ممانعت آنها نیستند، سزاوار دریافت پناه‌ندگی‌اند.<sup>61</sup> از این گذشته، کسانی که هویت جنسیتی یا گرایش جنسی خود را اولین بار پس از ورود به اولین کشوری پناهجو پذیر اعلام می‌کنند، اگر بتوانند ثابت کنند که از تعقیب و آزاری که در آینده در مورد آنان اعمال خواهد شد، می‌ترسند، می‌توانند واجد شرایط پناهندگی باشند.<sup>62</sup> قابل توجه است که در راهنما بکارگیری رفتارهای کلیشه‌ و قالبی برای اثبات ادعاهای مبنی بر دگرباشی جنسی منع شده است.<sup>63</sup> سپس، تصریح می‌کند که "فرد نباید بدون بررسی لازم در پرونده، به دلیل آن که ازدواج کرده است، دارای فرزند است، و یا مطابق نورم‌های حاکم جامعه لباس می‌پوشد، دگرجنسگرا به شمار آید."<sup>64</sup>

راهنمای کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد اذعان دارد که مراجعین دگرباش جنسی می‌بایست توسط کارکنانی که به خوبی در مورد مشکلات دگرباشان جنسی آموزش دیده‌اند و مطالعه داشته‌اند، مصاحبه شوند. این راهنما همچنین معتقد است که باید پیشرفت‌های بیشتری در زمینه‌ی آموزش و مواد مربوط به روش‌های پرس و جو و مصاحبه با دگرباشان جنسی صورت بگیرد.<sup>65</sup>

### روند اسکان

در پی انتظار طولانی برای تعیین موقعیت پناهندگی، متقاضیان وارد یک مرحله‌ی طولانی دیگر می‌شوند که غالباً یک سال و یا بیشتر به طول می‌انجامد. در راهنمای فعلی UNHCR اشاره‌ای به گرایش جنسی و هویت جنسیتی (و به این واقعیت که افرادی که دلیل گرایش جنسی و هویت جنسیتی هدف حمله و آزار قرار می‌گیرند) به عنوان مورد مشخص آسیب‌پذیری که تسریع در روند اسکان را ایجاد می‌کند، نشده است. با آن که پناهندگان دگرباش جنسی که در مصاحبه شرکت کردند عمومن از برخورد کارکنان سفارت‌های خارجی رضایت داشتند همگی از طولانی بودن دوره‌ی انتظار برای اسکان در کشور سوم به شدت مضطرب بودند. افزون بر این، به دلیل آن که UNHCR قانونی مبنی بر معرفی زوج‌هایی که رسمن با هم ازدواج نکرده‌اند برای مصاحبه‌ی اسکان در کشور سوم، و نیز انتقال توامان آنها به کشور سوم را ندارد، زوج‌های همجنس‌نگران جدا شدن از یکدیگر در مرحله‌ی اسکان بودند. افزون بر از دست دادن عزیزان، ضربه‌های روحی، و تجربه‌ی طردشدگی که بسیاری تجربه کرده‌اند، جدایی از معشوق، که در غالب موارد تک‌حامی متقاضی بوده است، برای این افراد به طور ویژه دردناک و مخرب است.

<sup>61</sup> همان، پاراگراف 27

<sup>62</sup> همان، پاراگراف 23

<sup>63</sup> همان، پاراگراف 36

<sup>64</sup> همان

<sup>65</sup> همان، پاراگراف 37



## پناهجویان و پناهندگان دگرباش هدف حمله‌های خشونت ابار مردم محلی و دیگر پناهجویان و پناهندگان

### بدرفتاری مردم محلی

می‌توان گفت بزرگترین مشکلی که از طرف پناهجویان دگرباش جنسی در ترکیه مطرح شده این است که هدف خشونت و آزار مردم محل قرار دارند.

بیشتر مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که دست کم یک بار مورد خشونت قرار گرفته‌اند. بعضی گزارش دادند که دو بار یا بیشتر مورد حمله‌ی فیزیکی قرار گرفته‌اند. برخی دیگر گفتند که تهدید به ضرب و شتم و یا مرگ شده‌اند. یک زوج همجنسگرای مرد ایرانی اظهار داشتند:

روز بود، دو مرد ما را تا توی کافی نت تعقیب کردند. به ما گفتند که آنجا نمائیم. گفتند که اگر دوباره به آن کافی نت برویم ما را به قصد کشت کتک خواهند زد. من سلفونم را بیرون آوردم و وانمود کردم که به پلیس زنگ می‌زنم و آنها محل را ترک کردند. در راه برگشت خیلی مواظب بودیم که از راه‌هایی برویم که ما را نبینند و تعقیب نکنند تا محل زندگی‌مان را پیدا نکنند.

به دلیل این گونه تهدیدها و خشونت‌ها بسیاری از پناهجویان می‌ترسیدند خانه‌ی خود را ترک کنند. آنها ضرورت بیرون ماندن از خانه را به حداقل رسانده بودند. یک پناهجوی دوجنسگونه‌ی MTF در نوشهیر می‌گوید:

نمی‌توانم از خانه‌ام خارج شوم، می‌ترسم اگر بیرون بروم مرا بکشند. همین هفته‌ی پیش دو مرد با چاقو مرا تا خانه دنبال کردند. یکی از آنها وارد مجتمع ما شد، اما شانس آوردم و زود رفتم توی آپارتمانم و در را قفل کردم.

این پناهجو گفت احساس می‌کند در خانه‌ی خودش، که به ندرت از آن خارج می‌شود، زندانی است.

برای بعضی‌ها حتی خود خانه هم نامن است. گروهی از ایرانیان همجنسگرا و دوجنسگونه در کایسری گزارش دادند که که به طور دایم مردم به پنجره‌ی خانه‌ی آنها سنگ پرتاب می‌کردند. می‌گفتند که می‌ترسیدند توی اتاق نشیمن خانه‌شان بنشینند.

به جز پناه گرفتن در خانه، بسیاری از پناهجویان دوجنسگونه‌ی MTF اظهار داشتند که لباس مردانه می‌پوشند تا از حمله‌های احتمالی جلوگیری کنند. برای نمونه، کمی بعد از ورود به کایسری، یک پناهجوی دوجنسگونه‌ی MTF و چند تن از دوستانش از سوی گروهی از مردان محلی مورد حمله قرار گرفتند و بینی پناهجوی دوجنسگونه شکست. او گفت، با آن که تلاش می‌کرده ظاهر خود را تغییر بدهد اما دایم مورد حمله و آزار و خشونت قرار گرفته است:

من یک زنم اما موهایم را مردانه کوتاه کرده‌ام. من نمی‌توانم آنجور که می‌خواهم لباس بپوشم و با لباس‌هایی که می‌پوشم احساس راحتی نمی‌کنم. اوایل، هر چی می‌خواستم می‌پوشیدم (مثلن لباس زنانه). اما بعد از آن حمله، و دیگر مواردی که تجربه کردم شروع کردم که شلوار بپوشم و موهایم را کوتاه کردم. حتی حالا با لباس مردانه، مردم محلی مثل سابق به من حمله می‌کنند.

شمار غالب مصاحبه‌شوندگان گزارش دادند که از جانب همسایه‌ها و دیگر مردم محلی طرد شده و مورد تمسخر قرار گرفته‌اند. بسیاری تشریح کردند که به طور مرتب به آنها پیش‌نهاد سکس می‌شده است و یا متهم به فاحشگی شده‌اند. یک ایرانی در کایسری گفت:

همسایه‌ها ما را "تپ" و حرامزاده صدا می‌کنند. از من می‌پرسند چقدر می‌گیرم باهشان سکس داشته باشم. ساختمان روبروی خانه‌ی ما مدرسه است و حتی بچه‌های کوچک مدرسه هم ما را "تپ" صدا می‌کنند. اصلی دوست نداریم وقتی که زنگ تفریح بچه‌هاست از خانه خارج شویم.

زنان همجنسگرا گزارش دادند که سعی فراوان می‌کنند که گرایش جنسی خود را از مردم پنهان کنند تا مورد آزار و بدرفتاری مردم محلی قرار نگیرند. گفتند که بدون همراهی یک مرد، به شدت احساس ناتوانی می‌کرده‌اند و به

خصوص گزارش کردند که از جانب مردان همسایه مورد آزار جنسی و خشونت قرار گرفته‌اند.<sup>66</sup> شماری گزارش دادند که برخی از مردان همسایه سعی کرده‌اند نیمه شب‌ها وارد خانه‌ی آنها بشوند. یکی از مصاحبه‌شونده‌های همجنسگرای زن گفت که در راهرو مجتمع خانه‌اش مورد آزار جنسی یکی از همسایه‌ها قرار گرفته است.

## بدرفزاری و آزار از جانب پناهجویان و پناهندگان محل

افزون بر آزار زبانی و خشونت فیزیکی از جانب مردم محلی، مصاحبه‌شونده‌ها گفتند که از طرف پناهجویان و پناهندگان دیگر نیز مورد آزار قرار گرفته‌اند و طرد شده‌اند. شماری از مصاحبه‌شونده‌ها گفتند که رفتار دیگر پناهجویان و پناهندگان حتی از مردم محلی نیز خشونت‌آمیزتر بوده است. یک مرد همجنسگرای ایرانی رفتار ناهنجار یک پناهجوی دیگر که در پانسیون محل اقامت او ساکن بود را این گونه تعریف می‌کند:

من با هم اتاقی ایرانی‌ام مشکل دارم. همیشه مرا "کونی" صدا می‌کند. سعی کردم اتاقم را عوض کنم اما پلیس اجازه نداد. مردهای سودانی و سومالیایی می‌خواهند با من سکس داشته باشند. پناهنده‌های ایرانی اصلن با من حرف نمی‌زنند. گاهی به خودکشی فکر می‌کنم.

یک پناهجوی ایرانی دوجنسگونه MTF نیز به همین گونه تعریف کرد که پس از این که هویت جنسی‌اش آشکار شد از جانب دیگر ایرانی‌ها طرد شد:

وقتی دیگر ایرانی‌ها متوجه می‌شوند که من زمانی مرد بوده‌ام، دیگر مایل نیستند با من حرف بزنند و رابطه‌شان را با من قطع می‌کنند. مثلن، یک خانم ایرانی بود که وقتی رسیدم اینجا خیلی به من مهربانی کرد و کمک کرد کاری پیدا کنم. وقتی فهمید که من دوجنسگونه بوده‌ام، دیگر رابطه‌اش را قطع کرد.

مصاحبه‌شونده‌ها ادعان داشتند که از جانب دیگر پناهجویان و پناهنده‌های ایرانی، مورد تمسخر و آزار قرار می‌گرفته‌اند به خصوص اگر ایشان به پلیس شکایت می‌کرده‌اند. یک زن همجنسگرای ایرانی در کاپسری گزارش داد که وقتی در صف امضا ایستاده بوده مورد حمله‌ی فیزیکی قرار گرفته:

من با دوستانم توی صف ایستاده بودم، یک پناهنده‌ی دیگر ایرانی دوید طرف من و به صورتم سیلی زد. به او گفتم کاری به من نداشته باش. آنها یک گروه بودند و به طرف ما داد می‌زدند: "لژیین‌ها"، "جنده‌ها"، "فاحشه‌ها". تفاوت را درک نمی‌کنند.

این زن اظهار داشت که از آن موقع به بعد برای این که در موقعیت‌های مشابهی قرار نگیرد سعی می‌کند صبح‌ها پیش از آن که دیگران برسند، در اداره‌ی پلیس، برای امضا، حاضر شود. به دلیل ترس از اتفاقی مشابه، یک پناهجوی دوجنسگونه MTF در کاپسری درخواست کرد که در ساعاتی غیر از ساعات معین، برای امضا مراجعه کند. برای کمک به پناهجویان دگرپاش جنسی پلیس اجازه داده است که به جای سه بار در هفته، دو بار برای امضا مراجعه کنند. اما در آن دو روز، آنها نیز می‌بایست در همانی ساعات مقرر برای همه مراجعه کنند. همانگونه که در زیر اشاره شد بسیاری از پناهجویان دگرپاش جنسی گفته‌اند که از شرکت در کلاس‌های آموزش زبان و تعلیم حرفه خودداری می‌کنند زیرا در این محیط‌ها از جانب دیگر پناهجویان و پناهندگان مورد آزار قرار می‌گیرند.

<sup>66</sup> در شهرستان‌های پناهجو پذیر سنتی، زنان مجرد به‌درد تنها یا با زنان دیگر هم‌خانه می‌شوند.

## عدم تکافوی حمایت پلیس

ظاهر پناهجویان حق دارند از حمایت قانونی در مواجهه با خلافکاری اشخاص، برخوردار باشند. در چارچوب قانون اساسی ترکیه، شهروندان و غیر شهروندان از حقوق برابر بهره‌ورند<sup>67</sup> از جمله حق تسلیم شکایت و اقدام به درخواست تشکیل دادگاه برای سیر قانونی پرونده.<sup>68</sup> پناهجویان دگرباش جنسی می‌توانند مانند همه به پلیس و یا به دفتر دادستانی محل شکایتی را تسلیم کنند<sup>69</sup> اما تعداد اندکی از مصاحبه‌شوندگان احساس می‌کردند که توانایی آن را دارند که در برابر آزار و ضرب و شتم اقدامی قانونی انجام دهند. بعضی‌ها از انتقام‌جویی مردم محلی و دیگر پناهجویان و پناهندگان در هراس بودند. مهم‌تر از همه اما این بود که غالب پناهجویان احساس می‌کردند پلیس، به سادگی، قادر نیست و یا مایل نیست آنها را در برابر خشونت و آزار و تجاوز رایج محافظت کند.

تمامی مصاحبه‌شوندگان دگرباش جنسی میان پلیس محلی و "پلیس اتباع خارجی"، که تماس بیشتر و منظم‌تری با آنها داشت، تمایز قابل شدند. شماری از مصاحبه‌شوندگان گزارش دادند که از ارتباط میان خود و پلیس اتباع خارجی رضایت دارند و گفتند افسران پلیس در موارد متعدد اطلاعات بسیار ضروری و مورد نیاز در مورد خدمات اجتماعی و خیریه‌های محلی را در اختیار آنها گذاشته‌اند.

با این وجود، به تکرار و دایم گزارش دادند که پلیس محلی تنها تلاش اندکی در حفظ امنیت و مراقبت از آنها به خرج داده است. علیرغم خشونت و آزار و تهدید دایمی که دگرباشان جنسی تحمل می‌کنند، تنها دو تن از مصاحبه‌شوندگان موفق شده بودند شکایتی رسمی را به پلیس تسلیم کنند. در غالب موارد، پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی گزارش دادند که تا جایی که آنها اطلاع داشته‌اند، در خصوص شکایات آنها مبنی بر خشونتی که علیه آنها اتفاق افتاده پلیس نه تحقیق و نه پیگیری کرده است. یک پناهجوی همجنسگرای مرد از کاپسری اظهار داشت:

*مردم دایم مرا مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. می‌خواهند با من سکس داشته باشند. چهار بار جوان‌های محل به من حمله کرده‌اند و هر بار من به پلیس شکایت کردم، اما هیچ وقت هیچ ترتیب اثری داده نشد.*

پلیس به بسیاری از پناهجویان دگرباش جنسی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند توصیه کرده که "بیشتر مراقب باشند" و یا بعد از غروب آفتاب از خانه بیرون نروند، و سپس مرخص‌شان کرده است. در یک مورد مشابه و معمول، یک پناهجوی همجنسگرای مرد و پارتنرش تعریف کردند که پس از آن که مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند به پلیس شکایت کرده‌اند. پلیس پارتنر او را، که به شدت مجروح شده بود به بیمارستان منتقل می‌کند. روز بعد پلیس به زوج همجنسگرا می‌گوید که نباید شکایتی بر اساس جرم جنایی تسلیم کنند، و هشدار داده است که اگر سعی در دفاع از خود بکنند، دیپورت خواهند شد:

*پلیس به ما گفت اگر دوباره به ما حمله شد، از خودمان دفاع نکنیم و در دفاع از خودمان با آنها گلاویز نشویم. گفتند اگر در دفاع از خودمان با آنها گلاویز شویم دیپورت خواهیم شد. پلیس به ما گفت که حتی زن‌هایی که تنها در خیابان‌های شهر راه می‌روند امنیت ندارند و ما فقط باید سعی کنیم کمتر از خانه بیرون برویم.*

برای این پناهجویان روشن بود که پلیس در مورد حمله‌ای که به آنها شده دست به تحقیق نخواهد زد. در واقع پلیس به جای این که امنیت آنها را تامین کند، حس بی پناهی، طردشدگی، و بی‌دفاعی قربانیان را تشدید کرده است. در همین راستا، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان گزارش دادند که پلیس به آنها هشدار داده است که اگر می‌خواهند از آسیب‌های احتمالی در امان باشند در ساعات پس از تاریکی از خانه بیرون نروند. پناهجویان دوپنسگونه‌ی MTF گزارش دادند که به همه‌ی آنها توصیه شده بود "مثل مردها" لباس بپوشند و رفتار کنند. زنان

<sup>67</sup> The Constitution of the Republic of Turkey, Articles 10, 12.

<sup>68</sup> Criminal Procedure Code (No. 5271), Article 158.

<sup>69</sup> Criminal Procedure Code (No. 5271), Article 158.

همجنسگرا اظهار داشتند که پلیس به آنها گفته است فقط از مردها خود را دور نگهدارند. یکی از زنان همجنسگرا تعریف کرد که وقتی به پلیس در مورد نگرانی‌اش از حمله‌ی مردان به پلیس محلی گفته است، پلیس توصیه کرده است که از همه‌ی مردها، حتی مردهای همجنسگرا دوری کند:

*ما نیاز داریم که جمع خودمان را داشته باشیم و به هم تکیه کنیم اما حالا نمی‌توانیم از مردهای همجنسگرا کمک بگیریم چون پلیس به ما گفته که نباید با آنها حرف بزنیم. پلیس معتقد است که اگر ما همجنسگرا هستیم دیگر نباید با هیچ مردی هیچ برخوردی داشته باشیم، حتی با بقال محل. پلیس می‌گوید اگر ما با مردها هم‌کلام شویم یعنی همجنسگرا نیستیم.*

یک نشانه‌ی مثبت که در اظهارات مصاحبه‌شوندگان در مجتمعی در کایسری که محل سکونت بسیاری از پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی است مشاهده شد این است که در آوریل 2009 ساکنان دگرباش این مجتمع گزارش دادند پلیس محلی نسبت به شکایات و درخواست‌های کمک آنها برخوردی مثبت اتخاذ کرده و به طور چشمگیری عکس‌العمل موثر نشان داده است. در دنباله‌ی این تحول، در مارچ 2008 پنج ایرانی دگرباش در این شهر هدف ضرب و شتم شدید قرار گرفتند. گفته می‌شود کایسری که بخش بزرگی از پناهجویان دگرباش جنسی ترکیه در آن اقامت دارند، در مقابل این گروه اجتماعیرفتاری به ویژه خصمانه و کینه توز دارد.

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان گفتند که حمله‌ها و ضرب و شتم و آزارهای جنسی را به پلیس گزارش نکرده‌اند. بعضی که از جانب کارفرمای خود مورد آزار قرار گرفته بودند گفتند که ترسیده‌اند پلیس به جرم کار سیاه آنها را جریمه کند. بعضی دیگر گفتند می‌ترسیده‌اند پلیس گفته‌ی آنان را باور نکند، و با این که شکایت آنها را پیگیری نکند. پناهجویان و پناهنده‌های دگرباش همه دلیل می‌آوردند که به آن خاطر که پلیس در گذشته به شکایات دوستان‌شان پاسخی نداده است، به شکایات آنها هم حتمن پاسخ نمی‌داده است. و دست آخر، مصاحبه‌شوندگان دو تا از شهرستان‌های پناهجو پذیر گزارش دادند که پلیس محلی شرط محرمانه بودن مفاد پرونده را نقض کرده و گرایش جنسی و هویت جنسیتی آنها را برای صاحب‌خانه‌شان فاش کرده است و در نتیجه آنها را بیشتر انگشت‌نما کرده و در معرض حمله‌های بیشتری قرار داده است. این گونه تجربه‌ها می‌توانند پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی را پیش از پیش به زندگی زیرزمینی بکشانند، منزوی کنند، و بیشتر از پیش در مقابل خشونت و آزار آسیب‌پذیر نمایند.

## شرایط دشوار یافتن مسکن

پناهجویان و پناهندگان در ترکیه عموماً می‌بایست هزینه‌ی مسکن را خود به عهده بگیرند. با آن که "بنیاد اتحاد و همیاری اجتماعی - آسام" موظف شده به پناهجویان تنگدست کمک مالی بکند<sup>70</sup> اما بودجه‌ی این بنیاد بسیار ناچیز است و می‌بایست میان تمام اهالی واجد شرایط محل تقسیم شود. کمیساریای عالی پناهنده‌گان ملل متحد مبلغی بسیار ناچیز، و فقط به آسیب‌پذیرترین پناهجوها کمک مالی می‌کند. به این خاطر که دوره‌ی تعیین موقعیت پناهندگی ماه‌ها و گاه سال‌ها به طول می‌انجامد، و نیز بسیاری از پناهجویان به دشواری قادر به یافتن کار هستند، یافتن، و حفظ محل سکونت مناسب و دایم کار آسانی نیست. این مساله بخصوص در مورد پناهجویان دگرباش، که برای یافتن کار با موانع زیاد روبرو هستند و معمولاً حمایت بسیار ناچیزی از جانب خانواده‌ی خود و یا دیگر شبکه‌های حمایتی در کشور خود دریافت می‌کنند، صدق می‌کند؛ دامنه‌ی وسیع تبعیض‌ها، امکانات آنها را به شدت محدود می‌کند.

شمار غالب مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که از طریق دیگر پناهجویان و پناهنده‌های دگرباش جنسی ساکن شهرستان‌های پناهجو پذیر خود، موفق به یافتن خانه شده‌اند. محل سکونت غالب آنها آپارتمان‌هایی بود مملو از ساکنینی که در فضایی تنگ و درهم فشردگی گذران می‌کردند. با وجود این دشواری‌ها راضی بودند که در کنار دیگر دگرباشان جنسی زندگی کنند زیرا در چنین شرایطی می‌توانستند مطمئن باشند که اگر چه در بیرون از

<sup>70</sup> Law on the Encouragement of Social Assistance and Solidarity (No. 3294), Article 1.

خانه مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند اما در داخل خانه از حمایت مالی و عاطفی هم برخوردارند. همانطور که یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت:

*خوشحالم که با دو همجنسگرای مرد دیگر هم‌خانه هستم. ما هم‌نسل هم هستیم. در یک زمان به کابری وارد شدیم. هر سه اهل تهرانیم. شرایط و تجربه‌های هم را درک می‌کنیم.*

همه مصاحبه‌شوندگان نگرانی شدید از معضل پرداخت اجاره و هزینه‌های آب و برق و گرما داشتند. حتی چند نفری که کار می‌کردند، برای پرداخت هزینه‌های مسکن دچار مشکل بودند. شمار غالب مصاحبه‌شوندگان به قدری به خط فقر نزدیک بودند که هر گونه کمک مالی در هر اندازه‌ای، برای ایشان ضرورت بسیار داشت. شماری از آنها وسایل به‌جا مانده‌ی منزل پناهندگانی که در کشور سوم اسکان یافته و رفته بودند را استفاده می‌کردند. تعداد اندکی از اینان کمک مالی ناچیزی از کمیساری عالی پناهندگان ملل متحد دریافت می‌کردند، و تعداد کمی نیز از سازمان‌های دگرباش جنسی خارج از کشور می‌گرفتند. آنهایی که با خود پول آورده بودند، در فاصله‌ی کمی بعد از مستقر شدن در ترکیه، آنطور که معمول است، ذخیره‌شان به پایان رسیده بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان توضیح داد که منابع کمک مالی و حمایتی که به طور معمول در دسترس دیگر پناهنده‌هاست در اختیار دگرباشان جنسی قرار نمی‌گیرد:

*همه‌ی پناهندگان در ترکیه دچار مشکل‌اند. با این وجود من فکر می‌کنم بعضی از مشکلات فقط مختص شرایط ماست. بسیاری از پناهندگان دگرباش هیچکسی را ندارند که به او تکیه کنند. پناهندگانی که به دلایل سیاسی از کشور فرار کرده‌اند معمولاً به حزب و گروه سیاسی خود روی می‌آورند. پناهندگانی که به دلایل مذهبی فرار کرده‌اند به بنیان‌ها و انجمن‌های مذهبی خود روی می‌آورند. بعضی از پناهندگان به خانواده‌هایشان در کشور خود روی می‌برند، اما بسیاری از ماها همه چیز را از دست داده‌ایم. از محیط اطراف خود، از خانواده‌ی خود در کشورمان، طرد شده‌ایم و هیچ کس و هیچ جایی نداریم.*

این وضعیت، از جانب متخصصان به عنوان "انزوای مضاعف" نام گرفته است. همانطور که قلم یکی از نویسندگان آمده است، واقعیت دگرباش جنسی بودن و پناهجو بودن، تنها به معنای تعلق به هر دوی این دو گروه نیست بلکه ترکیب این دو وضعیت منجر به محرومیت عمیق از منابع و شبکه‌های حمایتی سنتی می‌شود و این است آن تاثیر تلخی که به جای می‌گذارد.<sup>71</sup>

همانطور که در بالا گفته شد، دگرباشان جنسی از تبعیض گسترده در مساله‌ی مسکن سخن گفتند. شمار زیادی گزارش دادند که از جانب صاحب‌خانه‌های احتمالی خود، یا به دلیل آن که خارجی بوده‌اند و یا به دلیل آن که هویت جنسیتی و گرایش جنسی‌شان قابل تشخیص بوده، رد شده‌اند. بعضی دیگر پس از آن که گرایش جنسی و یا هویت جنسیتی‌شان فاش شده، وادار به تخلیه‌ی محل سکونت خود شده‌اند. یک پناهجوی دوجنسگونی MTF در اسپارتن این گونه گزارش داد:

*ما سه شب توی هتل ماندیم و بعد یک پناهنده‌ی ایرانی حاضر شد آپارتمانش را با ما شریک شود. بعد از دو هفته، وقتی متوجه شد که ما با هم پارتنر هستیم، به ما گفت که از خانه‌اش برویم. در واقع او نمی‌خواست ما در خانه‌اش بمانیم چون من ظاهری زنانه دارم و آرایش می‌کنم.*

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان گزارش دادند که همسایه‌ها به طور دایم شکایت‌های بی‌اساس علیه آنان به پلیس تسلیم می‌کنند. بعضی‌ها گفتند همسایه‌هاشان بدون هیچ دلیلی، علیه آنها به صاحب‌خانه شکایت کرده‌اند:

*همسایه‌ها از دست ما شکایت کردند و صاحب‌خانه پنج روز وقت داد که خانه را خالی کنیم. به علاوه، اجاره را هم اضافه کرد ... اما من نتوانستم آن مبلغ را بپردازم. بعد او گفت پس خانه را خالی کنید چون همسایه‌ها شکایت کرده‌اند.*

<sup>71</sup> Timothy Ranzazzo, "Social and Legal Barriers: Sexual Orientation and Asylum in the United States," in *Queer Migrations: Sexuality, U.S. Citizenship, and Border Crossings*, eds. Eithne Luibhéid and Lionel Cantú, Jr. (Minneapolis, MN: University of Minnesota Press, 2005), 38.

قوانین ترکیه در برابر این گونه تخلفها، حمایت قانونی ناچیزی در اختیار می‌گذارد. تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی در دستیابی به مسکن، در قوانین ترکیه منع نشده است. با آنکه قانون مسکن، با تعیین دامنه‌ی محدود دلایل تخلیه‌ی مسکن، اندک حمایت قانونی در اختیار مستاجر می‌گذارد،<sup>72</sup> و یا در مواردی که در صورت وقوع، انجام تعمیرات ضروری محسوب می‌شود، انجام این تعمیرات را ضروری به شمار می‌آورد.<sup>73</sup> اما این حمایتها تنها شامل مستاجرانی که اجاره نامه‌ی قانونی و معتبر دارند می‌شود. از آنجایی که شمار غالب پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی اجاره نامه‌ای امضا نکرده‌اند از این قانون سودی نمی‌برند. افزون بر این، هر چند در ظاهر و بالقوه دگرباشان جنسی می‌توانند علیه صاحب‌خانه شکایت قانونی بکنند،<sup>74</sup> هیچکدام از مصاحبه‌شوندگان دست به این کار نزده بودند و غالب آنان اظهار داشتند از انتقام جویی صاحب خانه و نتایج بعدی آن می‌ترسیده‌اند. علاوه بر این قادر به پرداخت هزینه‌ی دادگاه و هزینه‌های مربوط به آن نبودند.

### تبعیض و خشونت در محل کار

در قوانین مربوط به پناهجویی ترکیه تصریح شده است که پناهجویان حق دارند برای خود کار بیابند. و در ادامه تاکید شده است که آنان می‌بایستی "راهنمایی و تشویق شوند که درخواست پروانه‌ی کار بکنند".<sup>75</sup> در نتیجه پناهجویان و پناهندگان حق دارند برای دریافت پروانه‌ی کار، نظیر تمام دیگر غیرشهروندان اقدام بکنند.<sup>76</sup> با این وجود در عمل، تعداد اندکی قادر بوده‌اند از این حق برخوردار شوند.<sup>77</sup> زیرا مراحل اداری آن بسیار دشوار و نیز گران است. اولین قدم از ملزومات این مرحله آن است که متقاضی برگه‌ی اقامت دست‌کم شش‌ماهه داشته باشد. همانطور که پیش از این توضیح داده شد، شمار غالب پناهجویان قادر به پرداخت هزینه‌ی بالای برگه‌ی اقامت نیستند و تعداد اندکی موفق می‌شوند از پرداخت آن معاف شوند در نتیجه تعداد بسیار کمی واجد شرایط دریافت پروانه‌ی کارند. این روند، همچنین لازم می‌دارد که متقاضی مدارک کامل و دقیق شناسایی و نیز مدارک تحصیلی - که معمولن در اختیار افراد گذاشته نمی‌شود - را همراه داشته باشد. پناهجویان دگرباش جنسی در غیبت حمایت قانونی در برابر گستره‌ی وسیع تبعیض و اخراج از محل کار، از این ملزومات و پیش‌شرطها به شدت زیان می‌بینند.

در حالیکه تقریباً هیچ یک از پناهجویان قادر به دریافت اجازه‌ی کار نیستند، بسیاری به کار سیاه، یا اشتغال غیرقانونی روی می‌آورند. این افراد که از جانب کارفرماهای بی وجدان و قانون‌شکن، بی پناه به شمار می‌آیند، در موارد بسیار وادار به کار در شرایط استثمار می‌شوند.<sup>78</sup> پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی، به ویژه آنان که از روی ظاهر قابل تشخیص‌اند، در برابر تبعیض و ظلم کارفرما بی‌دفاع‌اند. آنها همچنین در موارد بسیار در

<sup>72</sup> Code of Obligations and Real Property Rentals Act (No. 6570).

<sup>73</sup> همان

<sup>74</sup> The Constitution of the Republic of Turkey, Article 36.

<sup>75</sup> 2006 Circular, Article 19.

<sup>76</sup> The Law on Work Permits for Foreigners (No. 4817).

<sup>77</sup> قانون اجازه‌ی کار برای خارجی‌ها تصریح می‌کند که تنها خارجی‌هایی که قادر به انجام شغلی هستند که شهروندان با ملیت ترک قابلیت انجام آن را ندارند می‌توانند برای آن شغل اجازه‌ی کار بگیرند. در عمل، بیشتر پناهجویان نه توانایی زبانی دارند و نه مهارت‌های ویژه‌ای که آنها را قادر سازد تا این پیش‌نیاز را دارا باشند. حتی پناهجویان اندکی که دارای شرایط هستند نیز کارفرمایان در درجه‌ی نخست از ایشان می‌خواهد از طریق روند سخت‌گیرانه‌ی وزارت کار اقدام کنند.

<sup>78</sup> U.S. Committee for Refugees and Immigrants, "2008 World Refugee Survey – Turkey," June 19, 2008, <http://www.refugees.org/countryreports.aspx?id=2175> (accessed January 2, 2009).

معرض تجاوز جنسی در محل کار قرار می‌گیرند. حتی کسانی که برگه‌ی اقامت و پروانه‌ی کار ندارند می‌توانند به پلیس و دادستان شکایت کنند، و می‌توانند علیه کارفرمای متخلف و متجاوز دست به اقدام قانونی بزنند.<sup>79</sup> با این حال، شمار بسیار کمی اطلاعات کافی، امکانات، و هزینه‌ی لازم برای این کار را دارند. از این گذشته با وجود نیاز شدید مالی و کمبود شدید کار، شمار بسیاری شرایط بد محیط کار را تا آنجا که قادرند تحمل می‌کنند. تعداد اندکی که اقدام به شکایت می‌کنند با قبول خطر انتقام‌جویی کارفرما دست به این کار می‌زنند.

## تبعیض در استخدام

شمار غالب پناهجویان و پناهندگان دگرباش مصاحبه‌شونده گزارش کردند که با وجود پیگیری شدید، موفق به یافتن کار در ترکیه نشده‌اند. تمام این افراد دلیل این مساله را هویت دگرباشی خود و یا موقعیت پناهندگی خود، و یا هر دو، ذکر کردند. یک پناهجوی دوجنسگرنه‌ی FTM برخوردی که به کرات با آن روبرو شده است را این گونه تعریف کرد:

*من بارها برای کار اقدام کردم اما اولین سوالی که از من می‌کردند این بود که دختر هستم یا پسر. من هم دست کشیدم. آن جوری که مردم به من نگاه می‌کردند باعث شد که از جستجوی کار دست بکشم.*

بعضی از مصاحبه‌شوندگان گزارش دادند که به کارگاه‌ها، فروشگاه‌ها و دیگر موسسات مشابه که آگهی استخدام داشته‌اند، مراجعه کرده‌اند و پاسخ شنیده‌اند که به خاطر شکل ظاهری‌شان نمی‌توانند درخواست کار بدهند. یک همجنسگرای مرد در کاپسری تعریف کرد:

*من به خیلی جاها برای کار مراجعه کردم و جواب رد شنیدم. حتی فروشگاه‌هایی که آگهی استخدام فروشنده و کمک فروشنده پشت شیشه داشتند به من جواب رد دادند. وقتی وارد یک فروشگاه می‌شوی جوری نگاه می‌کنند که انگار یک موجود عجیب و غریب دیده‌اند. وقتی درخواست کار می‌کنی، می‌گویند بله، ما کار داریم، اما نه برای تو.*

بسیاری از پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی که از روی ظاهر قابل تشخیص هستند همچنین تعریف کردند که زمانی که برای یافتن کار اقدام کرده‌اند، مورد طعنه و تمسخر قرار گرفته‌اند. یک دوجنسگرنه‌ی ایرانی گزارش داد:

*هر وقت سعی می‌کنیم کاری پیدا کنیم، مردم به ما می‌خندند. وقتی وارد محلی می‌شویم که تقاضای کار کنیم، ما را "بایان" (خانم) و یا "آیلا" (خواهر) خطاب کنند. از این گذشته با اشاره به ما می‌فهمانند که می‌خواهند با ما سکس داشته باشند، یعنی با ما لاس می‌زنند. من خطاطی می‌دانم و آیه‌های قرآن را به خط خوش می‌نویسم. نمونه‌ای از کارم را به فروشگاه‌ها بردم اما وقتی متوجه شدند که ما همجنسگرا هستیم، حاضر به خرید از ما نشدند. یک کتابخانه هست که ما نمونه‌های خطاطی را برای فروش آنجا گذاشتیم اما حاضر نشدند کارها را بخرند.*

## آزار و اذیت در محل کار

شماری از مصاحبه‌شوندگان که توانسته بودند کار پیدا کنند گزارش دادند که به خاطر گرایش جنسی و هویت جنسیتی‌شان مورد توهین، خشونت، آزار جنسی و اخراج قرار گرفته‌اند. یک دوجنسگرنه‌ی ایرانی MTF تعریف کرد که چگونه با تهدید ضرب و شتم و آزار بدنی از کار اخراج شده است:

<sup>79</sup> Constitution of the Republic of Turkey, Article 36; Criminal Procedure Code (No. 5271), Article 158.

یک روز در یک کارخانه‌ی محلی کار پیدا کردم. لباس مردانه پوشیده بودم چون فکر می‌کردم به آن صورت آسان‌تر پذیرفته می‌شوم. کار من خیلی سنگین بود و شامل حمل و نقل زیاد وسایل سنگین می‌شد. روز دومی که سر کار رفتم فراموش کرده بودم گوشواره‌هایم را در بیاورم و اخراج شدم. مدیر کارخانه یکی از کارکنان را صدا زد تا مرا تا دم در ببرد. آن مرد چاقویی در آورد گذاشت روی سمت کناری سر من و تهدید کرد که گوشم را ببرد، سپس چاقو را روی پشت من گذاشت و تا دم در کارخانه همراه من آمد.

یک پناهجوی دوجنسگونی MTF دیگر گزارش داد که از جانب کارفرمای خود مورد آزار جنسی و تهدید به ضرب و شتم قرار گرفته است:

من در یک رستوران کار می‌کردم. سه روز بعد از این که آنجا شروع به کار کردم، صاحب رستوران یک فیچی گرفت توی صورت من و تهدیدم کرد. بعد به من گفت که می‌خواهد مرا "بیرون ببرد" (قرار ملاقات). فهمیدم که می‌خواهد با من سکس داشته باشد. پولی که بابت سه روز کار در آنجا به من بدهکار بود را برداشتم و دیگر برگشتم چون به شدت می‌ترسیدم.

دیگر مصاحبه‌شوندگان تاکید کردند که دگرباشان جنسی، پس از این که گرایش جنسی و هویت جنسیتی‌اشان فاش می‌شود، دیگر قادر به حفظ کار خود نیستند. یک همجنسگرای مرد ایرانی خاطر نشان کرد:

پارتنر من کاری پیدا کرد. بعد از چند روز، (کارفرمای او) ما را دید که با هم در خیابان‌های مرکز شهر قدم می‌زدیم. بلافاصله پس از آن پارتنرم اخراج شد.

همچنین، یک پناهجوی دوجنسگونی MTF چگونگی اخراج خود را این گونه توصیف کرد:

به اینجا که آمدم شروع به کار در یک رستوران کردم. وقتی فهمیدند که من دوجنسگونی‌ام، گفتند که دیگر مایل نیستند آنجا کار کنم. توضیح دادند که فقط کارگر زن می‌خواهند. من سعی کردم توضیح بدهم که منم زن هستم، اما آنها درک نمی‌کردند و مرا اخراج کردند.

مصاحبه‌شوندگان عموماً باور داشتند که هیچ گونه امکان قانونی برای برخورد با کارفرمای خود ندارند. می‌گفتند که به مقامات ترک نمی‌توانند شکایت کنند زیرا پروانه‌ی کار ندارند. از این گذشته، بسیاری احساس می‌کردند که سیستم مجری قانون آنها را در دایره‌ی شمول خود به شمار نمی‌آورد؛ در بهترین حالت، نسبت به مشکلات ایشان بی‌تفاوت و در بدترین حالت، متخاصم است.

شمار اندکی از مصاحبه‌شوندگان از روی ناچاری و برای گذران زندگی به کارگری جنسی روی آورده‌اند زیرا هیچ کار دیگری در دسترس ایشان نیست. گفتند که وادار به سکس غیربهداشتی/بدون کاندوم می‌شده‌اند، و نیز از جانب کارگران جنسی ترک که آنها را متهم به جلب مشتری‌هایشان می‌کردند، مورد آزار و ضرب و شتم قرار گرفته‌اند. یک همجنسگرای مرد ایرانی در اسپار تا تعریف کرد:

وقتی تازه به اسپار تا آمدم برای چهار ماه در یک رستوران کار کردم. وقتی رئیس رستوران متوجه شد که همجنسگرا هستم اخراجم کرد. حالا به عنوان کارگر جنسی در ارثیردیر و اسپار تا کار می‌کنم. مجبورم چون راه دیگری برای گذران زندگی ندارم.

این کارگران جنسی دچار طردشدگی مضاعف هستند: دگرباش جنسی‌اند و به کاری شاغلند که از نظر اجتماعی مردود است؛ پناهجویند، به امکانات بهداشت و درمان یا اصلن دسترسی ندارند و یا از امکانات ناچیزی برخوردارند. در شرایطی که در معرض هر گونه بیماری مقاربتی و آزار جنسی و خشونت مشتریان خود هستند، تنها راه درآمد و گذران زندگی آنها، امنیت فیزیکی آنها را در لحظه، و نیز سلامت جسمی آنها را در دراز مدت به خطر می‌اندازد.



## خدمات درمانی غیرقابل دسترسی

پناهجویان و پناهندگان در ترکیه می‌بایست هزینه‌های درمانی خود را تقبل کنند و به طور کامل بپردازند.<sup>80</sup> هر چند کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد مبلغ محدودی کمک مالی به آسیب‌پذیرترین پناهجویان اختصاص می‌دهد، این مبلغ معمولاً برای پوشش کامل هزینه‌های درمانی کافی نیست.<sup>81</sup> دولت در موارد بسیار عاجل و ضروری، و تنها در صورتی که کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد امکان کمک نداشته باشد، برای هزینه‌های درمانی کمک ناچیزی می‌پردازد. کمک‌های دولتی تنها در چارچوب منابع محدود مالی دولت، میسرند.<sup>82</sup> برای دریافت کمک مالی از دولت، پناهجویان می‌بایست با برگه‌ی اقامت معتبر به پلیس محلی مراجعه کنند. پلیس سپس آنها را به «بنیاد خدمات اجتماعی و همبستگی» معرفی می‌کند تا موقعیت مالی و نیازهای درمانی پناهجو را بررسی کنند. این بنیاد، به نوبه‌ی خود، پرونده را به مراکز درمانی محلی یا بیمارستان‌ها، معرفی می‌کند.<sup>83</sup> سیستم محلی ارجاع پناهجویان برای دریافت خدمات درمانی، منطقه به منطقه متفاوت است؛ خدمات بعضی مناطق در حد متعارف است و یا فراتر می‌رود، اما شمار بیشتر مناطق زیر حد متعارف استانداردهای تعیین شده‌ی ترکیه برای پناهجویان است. NGOهای<sup>84</sup> همکار با کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد در تکمیل خدمات این سازمان به پناهجویان به طور رایگان در بعضی از شهرستان‌های پناهجو پذیر خدمات روان‌درمانی ارائه می‌دهند.<sup>85</sup> به دنبال قانونی که در 2008 تصویب شد، حتی کمک‌های درمانی در حمایت از پناهجویان و پناهندگان غیراروپایی، که در بالا توضیح داده شد، ممکن است کاهش یابد.<sup>86</sup>

## خدمات درمانی

پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی گزارشی در خصوص تبعیض در دستیابی به خدمات درمانی، در مقایسه با غیردگرباشان جنسی ارائه نکردند. مانند دیگران، دگرباشان جنسی نیز در دریافت خدمات درمانی با دشواری روبرویند. با این وجود، عدم دسترسی آنها به حمایت‌های مالی، دستیابی آنان به خدمات درمانی را دشوارتر کرده است.

<sup>80</sup> 2006 Circular, Article 19.

<sup>81</sup> U.S. Committee for Refugees and Immigrants, "2008 World Refugee Survey – Turkey."

<sup>82</sup> 2006 Circular, Article 19.

<sup>83</sup> 2006 Circular, Article 19. Provincial

«بنیادهای یاری اجتماعی و همکاری» استانی، به‌دست هیاتی تنظیم شده است که شامل نمایندگانی از استان، شهرداری، آموزش و پرورش، و بخش‌های خدمات اجتماعی، انجمن‌ها و شهروندان خیر، مختارها (ریش‌سفیدان محل)، و مفتی‌ها (ملاها) است.

<sup>84</sup> شرکای «اجراگر» بودجه‌ی جزئی‌ای از سوی UNHCR دریافت می‌کنند تا فعالیت‌های مشخص‌شان را انجام دهند.

<sup>85</sup> بنیاد توسعه‌ی منابع انسانی خدمات روانی-اجتماعی خویش را در استانبول، اسکی‌شهر، بیلجیک، و کوتاهیا ارائه می‌کند. انجمن همکاری با پناهجویان و مهاجرین همین مشاوره‌ها را در آنکارا، کایسری، کرشهر، نوشهر و نیده ارائه می‌کنند.

<sup>86</sup> قانون بیمه‌ی اجتماعی و بیمه‌ی بهداشت عمومی (شماره‌ی 5510)، که از 1 نوامبر 2008 به مرحله‌ی اجرا درآمده است، بیمه‌ی بهداشت را برای همه‌ی افراد ترکیه فراهم می‌آورد. هرچند، تنها کسانی که به‌عنوان «پناهجو و بی‌وضعیت» «شناخته شده‌اند» می‌توانند از مراقبت‌های بهداشتی بهره‌مند شوند. بنگرید به بند 3، پاراگراف 27. همان‌طور که در بالا گفته شد، MOI معمولاً تصمیم‌های مثبتی دربارم درخواست «پناهجویان موقت» که تنها چند روز مانده است تا اجازه‌ی خروج از ترکیه به کشور سوم را یابند می‌گیرد. تأثیر عملی این است که بیش‌تر پناهجویان، که هنوز چند ماه یا چند سال به درخواست‌شان برای «پناهندگی موقت» مانده است، واجد شرایط مراقبت بهداشتی نمی‌شوند. در همان حال، «بنیادهای یاری اجتماعی و همکاری» استانی که پیش‌تر تشخیص‌دهنده و فراهم‌آورنده‌ی بیمه‌ی پزشکی برای پناهجویان و پناهندگان بی‌پناه هستند دیگر چنین حمایت‌هایی نمی‌کنند.

با وجود آن که مصاحبه‌شوندگان به سیستم دولتی خدمات درمانی برای تشخیص بیماری دسترسی داشتند، اما امکان مالی پرداخت هزینه‌های بعدی، از جمله درمان بیماری و عمل جراحی از عهده‌ی آنها خارج بود. در مواردی که مراقبت‌های لازم درمانی را دریافت نکرده بود، مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که علایم بیماری در آنها وخیم‌تر شده است. در یکی از این موارد، پناهجویی که دچار بیماری قند بود و مراقبت‌های درمانی لازم را دریافت نکرده بود، اظهار داشت که دچار نارسایی کبد شده است. باید یادآور شد که مصاحبه‌شوندگان به نارسایی و کم‌توجهی سیستماتیک از جانب متخصصان درمانی بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی‌شان اشاره نکرده‌اند. در واقع، بیشتر آنان از خدمات محدودی که دریافت کرده بودند، اظهار رضایت داشتند. با وجود این خاطرنشان شدند که کمبود شدید خدمات ترجمه در مراکز درمانی مایه‌ی دشواری‌های زیادی در دستیابی آنها به خدمات درمانی مورد لزوم و با کیفیت مناسب بوده است.

### خدمات روان‌درمانی

پناهجویان و پناهندگان دگرگراش جنسری به طور مکرر مطرح کردند که مشکلات روانی‌شان نتیجه‌ی خشونت و انزوایی است که تجربه می‌کنند. آنها از افسردگی، اضطراب، تمایل به خودکشی، کابوس، بیدارخوابی، فراموشی، و حس انزوا و طردشدگی در میان مشکلات روحی‌ای که دارند نام می‌برند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت:

*من از میگردن و ناراحتی قلبی رنج می‌برم، اما علاوه بر این ناراحتی روحی هم دارم. من اینجا هیچ کسی را ندارم؛ تنها هستم. مردم این شهر خیلی محافظه‌کارند. مردم محلی با من معاشرت نمی‌کنند. حتی دیگر پناهنده‌ها وقتی من را می‌بینند راه خود را کج می‌کنند. اصلن با من حرف نمی‌زنند. به خودکشی فکر کرده‌ام اما نتوانستم دست به این کار بزنم. احساس می‌کنم که تعادل روانی ندارم، دایمن مضطربم. هیچکس را ندارم که این حرف‌ها را برایش بگویم.*

دیگری گفت:

*من و پارتنرم به جایی رسیده‌ایم که او همیشه شب‌ها با صدای فریاد من از خواب می‌پرد. کلبوس می‌بینم. نمی‌توانم بخوابم. مشکلات روحی شدید دارم.*

این افراد به ندرت قادر به دستیابی خدمات حمایتی و یا درمانی روانی در شهرستان‌های پناهجو پذیر محل سکونت خود بودند. چند نفری که خدمات روان‌درمانی دریافت کردند، از طرف کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد و یا از طریق سازمان تکمیلی همکار آن، بنیاد همبستگی با پناهجویان و مهاجران، آسام، به مراکز مربوط معرفی شده بودند.

### موانع دستیابی به خدمات اجتماعی

پناهجویانی که می‌خواهند از خدمات عمومی، از هر نوعی، استفاده کنند می‌بایست برگه‌ی اقامت داشته باشند. همچنان که در بالا یاد شد، به خاطر آن که هزینه‌ی برگه‌ی اقامت به طور غیرقابل تحملی بالا است، و این هزینه به ندرت بخشوده می‌شود، بسیاری از پناهجویان، از جمله پناهجویان دگرگراش جنسی، از دستیابی به خدمات اجتماعی محرومند. مقدار محدودی کمک از سوی "بنیاد خدمات اجتماعی و همبستگی"، که هیئت مدیره‌ی آن مسوولیت بررسی درخواست‌های رسیده و اختصاص مبلغی کمک مالی و غیر مالی به افراد نیازمند دارند. در هر صورت، معیارهای لازم برای تعیین نیاز مالی از طرف این بنیادها مشخص نشده است و آزمون میانگین روشنی هم به کار نمی‌رود، در نتیجه تصمیمات اتخاذ شده دلخواه و متناقض است. از این گذشته، سرمایه‌ناچیزی که در اختیار دارند، معمولن بدون برنامه‌ای ثابت صرف می‌شود، و نیز می‌بایست میان تمام ساکنان استان، و از جمله شهروندان ترک تقسیم شود.

دیگر خدمات اجتماعی در هر یک از شهرستان‌های پناهجو پذیر، گونه و اندازه‌ی متفاوت دارند. در بعضی از شهرها، پناهجویان تنگدست گفتند به هیچ گونه خدمات اجتماعی خیره دسترسی نداشته‌اند. در دیگر شهرها،

گفتند که از خیریه‌های محلی، استانی، و سازمان‌های غیر دولتی که غذا و لباس دست دوم و پتو بخش می‌کردند کمک دریافت کرده‌اند. بعضی نیز گفتند که کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد مبلغ ناچیزی کمک مالی به آنها کرده است.

هر چند خدمات اجتماعی برای تمام پناهجویان در ترکیه بسیار محدود است، اما دگرباشان جنسی به ویژه از دسترسی به این کمک‌ها به خاطر گرایش جنسی و هویت جنسیتی‌شان، محروم می‌مانند. مصاحبه‌شوندگان گزارش دادند که نه تنها از آرایه‌ی خدمات اجتماعی به آنها خودداری شده است، بلکه از جانب کارکنان این بنیادها و دیگر مراجعین آماج رفتار توهین آمیز قرار گرفته‌اند. یک پناهجوی همجنسگرای مرد در کایسری برخوردی را که در یکی از سازمان‌های خیریه با آن روبرو شده است را این گونه توصیف کرد:

ما را به یک خیریه‌ی محلی که غذا بخش می‌کرد معرفی کردند. اما وقتی که در آنجا متوجه شدند همجنسگرا هستیم، از دادن غذا به ما خودداری کردند چون ما آرایش کرده بودیم و موهامان بلند بود. همه‌ی مراجعین محلی که آنجا برای گرفتن غذا صف کشیده بودند به ما خندیدند. من به همین خاطر موهایم را کوتاه کردم و باز به آن خیریه رفتم. اما باز هم از دادن غذا به ما خودداری کردند. به ما گفتند که ما پاک نیستیم؛ گفتند نمی‌توانند به ما غذا بدهند که چون نباید دست‌شان به ما بخورد.

ما فقط حق خودمان را می‌خواهیم، چیز بیشتری نمی‌خواهیم ... ما فقط می‌خواهیم با ما مثل یک انسان رفتار کنند، نه مثل حیوان.

مصاحبه‌شوندگان دگرباش جنسی از رفتار مشابهی در ادارات دولتی خبر دادند. یک پناهجوی دوجنسگونه‌ی MTF که دچار بیماری شدید بود ماجرای مراجعه‌ی خود به یک اداره‌ی دولتی برای درخواست کمک را اینگونه تعریف می‌کند:

کارمندی که آنجا بود به من گفت، تو بولنت ارسوی هستی؟ (بولنت ارسوی، خواننده‌ی مشهور دوجنسگونه‌ی ترک) و رو به من ادامه داد که "تو غیرطبیعی و مریض هستی و بهتر است یک دوست پسر پیدا کنی که از تو نگهداری کند چون ما ماگ نیستیم به تو کمک کنیم." من وادار شده‌ام که به مسجد بروم، برای دریافت کمک، و یا با مردم بخوابم تا بتوانم هزینه‌هامان را بپردازم. گاهی برای دو یا سه روز چیزی برای خوردن نداریم ولی چون من با پارتنرم اینجا هستم، ما به هم قوت قلب می‌دهیم.

## فضای خصمانه‌ی محیط آموزشی

حق دستیابی به آموزش ابتدایی در قانون اساسی ترکیه برای شهروندان و غیرشهروندان یکسان تأمین شده است.<sup>87</sup> پناهجویان و پناهندگان بزرگسال می‌توانند در کلاس‌های زبان و آموزش حرفه که در مراکز آموزش عمومی در سراسر ترکیه موجود است، شرکت کنند.<sup>88</sup> برای شرکت در این کلاس‌ها اما پناهجویان و کوچ نشینان می‌بایست برگه‌ی اقامت معتبر ارایه بدهند.<sup>89</sup> بیشتر پناهجویان دگرباش و پناهندگانی که در مصاحبه شرکت کردند اجازه‌ی اقامت ندارند.

شمار معدودی از سازمان‌های غیردولتی در ترکیه برای پناهجویان کلاس‌های زبان و آموزش حرفه دایر کرده‌اند. هر چند این کلاس‌ها رایگان هستند، تنها دو تن از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که در آنها شرکت می‌کنند. شماری از مصاحبه‌شوندگان یا از وجود این کلاس‌ها بی‌خبر بودند و یا نمی‌دانستند که چگونه در آنها ثبت‌نام

<sup>87</sup> The Constitution of the Republic of Turkey, Article 42; Primary Education and Training Law (No. 222), Article 2.

<sup>88</sup> Ministry of National Education, Directive on Public Education Institutions, 14 February 2006 / 26080, Article 54; Occupational and Technical Education Directive, 3 July 2002 / 24804, Article 45(b).

<sup>89</sup> همان

کنند. با توجه به عدم ارتباط پناهجویان دگرباش جنسی با سازمان‌های خدمات اجتماعی ترکیه، و نیز با دیگر پناهجویان و با کوچ‌نشینان، این بی‌اطلاعی عجیب نیست.

تنها یک مصاحبه‌شونده گزارش داد که از شرکت او در کلاس زبان، علن و به دلیل گرایش جنسی‌اش، جلوگیری کرده‌اند. او گفت که علیرغم تلاش‌های مکرر برای ثبت نام، پلیس از معرفی او به کلاس زبان خودداری کرده است. در هر حال، دیگران نیز به همین دلیل از دستیابی به آموزش منع می‌شوند. به نظر می‌آید که آزار و توهین دیگر پناهجویان و پناهندگان از دلایل عمده‌ی غالب پناهجویان دگرباش جنسی برای عدم شرکت در کلاس‌های زبان و آموزش حرفه، که امکان حضور آنها در آن موجود بوده است، باشد. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان گزارش دادند که در کلاس‌ها شرکت کرده‌اند اما بعد از این که مورد تمسخر دیگر پناهجویان قرار گرفته‌اند، مدرسه را ترک کرده‌اند. یک پناهجوی همجنسگرای مرد در کایسری خاطر نشان کرد:

*من در یک کلاس زبان در مدرسه‌ی محل ثبت نام کردم. تعداد زیادی پناهنده از کشور من در آن کلاس بودند. آنها واقعاً از من و دوستانم دوری می‌کردند و ما را مسخره می‌کردند. من آنچنان احساس طردشدگی می‌کردم که دیگر به آن کلاس برنگشتم.*

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان گفت:

*از ترس پناهنده‌های هموطن خودمان، ما ترجیح می‌دهیم در هیچ کلاس آموزشی شرکت نکنیم. آنها در تمام مدت به ما می‌خندند و بعضی‌ها نیز ما را تهدید کرده‌اند. چرا باید خودمان را در چنین موقعیتی قرار دهیم؟*

## پیش‌انهادها

همه‌پرسی ما از 46 پناهجوی دگرباش جنسی و پناهنده در ترکیه، به تغییرات چندی که برای ساختن محیطی امن برای این گروه ضروری است، اشاره کرد. از جمله‌ی این تغییرات بازنگری در مراحل مقرر، بازنگری اولویت‌ها و نیز بازنگری در منابع کمک‌رسانی است. برخی از این تغییرات، بدون چالش‌های دشوار برای تغییر پیشداوری‌ها و تبعیضات مزمن جامعه، و زمینه‌سازی برای ایجاد تغییر، ممکن نمی‌شود. با این وجود، و در غیبت چنین زمینه‌های تغییر، مراقبت‌های امنیتی موثر برای پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی در ترکیه همچنان هدف و مقصود نهفته باقی خواهد بود.

برای هر چه موثرتر ساختن یافته‌های این گزارش، ما پیشنهاد‌های خود را به طور مشخص و مستقیم به هر یک از طرف‌های مربوط که در زمینه‌ی خاص مسوولیت‌پذیری دارد، ارایه می‌کنیم.

**دولت ترکیه، وزارت داخله‌ی ترکیه، و پلیس در شهرستان‌های پناهجو بذر**

- بکارگیری راهکارهای قاطع برای جلوگیری، متوقف ساختن، و مورد تعقیب قراردادن اعمال خشونت‌آمیز علیه پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی.
- رسیدگی لازم و سریع به شکایاتی که از جانب پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی به پلیس تسلیم می‌شود.
- گماشتن ماموران گشت پلیس برای مراقبت منظم منطقه، در صورتی که از جانب پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی درخواست شود.
- با مشورت با پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی، دیگر گام‌های ضروری برای پیشگیری از اعمال خشونت‌آمیز بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسی برداشته شود.
- به پناهجویان و پناهندگان اجازه داده شود در مراکز شهری بزرگ‌تر که رواداری بیشتری نسبت به گرایش جنسی و هویت جنسیتی دارند، ساکن شوند. تمرکز اسکان پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی در شهرهایی با جمعیت مستقر دگرباش جنسی و گروه‌های حامی ایشان که قادر به ارایه‌ی کمک هستند، قرار گیرد. به پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی اجازه‌ی بازتعیین شهر محل سکونت داده شود. با پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی در تعیین شهر مناسب سکونت، از جمله شهرهایی که در آن جمعیتی از دگرباشان جنسی محلی و سازمان‌های حامی دگرباشان جنسی مستقر هستند، مشورت شود. به پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی امکان داده شود که شهرستان پناهجو پذیرا محل سکونت‌شان به این شهرها بازتعیین یابد.
- آموزش‌های لازم به پلیس شهرستان‌های پناهجو پذیر داده شود تا با پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی ارتباط متقابل داشته و خدمات لازم را در اختیار ایشان بگذارند و به شکایات ایشان به شکل موثری پاسخ گویند.
- در زمینه‌ی مسایل مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی، و در ارایه‌ی بهترین راهکارها برای ایجاد ارتباط متقابل و ارایه‌ی خدمات به پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی آموزش‌های لازم به پلیس شهرستان‌های پناهجو پذیر داده شود. آموزش‌های لازم در زمینه‌ی راهکارهای جایگزین توصیه‌های نظیر پنهان کردن گرایش جنسی و هویت جنسیتی، منزوی شدن در خانه، و دوری گرفتن از روابط اجتماعی به پلیس ارایه شود.
- آموزش‌های لازم برای انجام مصاحبه‌ی "پناهندگی موقت" در تعیین و تشخیص ادعاهای مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی، و نیز راهکارهای لازم برای دست یافتن به پاسخ و شهادت لازم با استفاده از راهکارها و روش‌های غیر خصمانه به پلیس اتباع خارجی داده شود. به پلیس آموزش داده شود تا به جای پرس و جو در خصوص تاریخچه‌ی روابط جنسی شخص، سوال‌هایی را مطرح

- کنند که در پاسخ اطلاعات لازم در مورد هویت پناهجو به عنوان یک فرد دگرباش جنسی را به دست می‌دهد.
- به پلیس آموزش داده شود تا به جز در مواردی که برای بررسی موارد ضروری مربوط به آزار و اذیت لازم می‌آید (مثل رابطه‌ی جنسی اجباری)، از طرح سوال‌های نالازم و بی‌پرده و خصمانه مربوط به روابط جنسی (از جمله سوال‌های مربوط به پوزیشن فرد هنگام سکس، اعمال جنسی، و تعداد شریک جنسی) خودداری کنند.
  - به افسران پلیس آموزش داده شود که توجه خود را به ظاهر و دیگر رفتارهای کلیشه‌ای ( نظیر مردان همجنسگرا ظاهر و رفتار زنانه دارند، و یا زنان همجنسگرا ظاهر و رفتار مردانه دارند) به عنوان ابزار دآوری در صحت و سقم ادعای مربوط به گرایش جنسیتی و هویت جنسی متمرکز نکنند.
  - شمار کافی مترجمان که قادر به گفتگو در زبان معین برای همکاری در پرونده‌های پناهجویی هستند استخدام و ایفا شوند.
  - تعیین شود که ترجیح پناهجوی دگرباش جنسی با افسر پلیس و مترجم مرد و یا زن است. تلاش شود که درخواست مزبور برآورده شود.
  - به مترجمان آموزش لازم برای کار با پناهجویان دگرباش جنسی، از جمله اصول مربوط به ضرورت محرمانه بودن مطالب، عدم تعصب و تبعیض، و برخورد محترمانه داده شود. اطمینان حاصل شود که مترجمان عبارات و اصطلاحات مناسب در ارتباط با دگرباشان جنسی را می‌دانند و در هنگام ترجمه بکار می‌آورند.
  - تا آنجا که ممکن است تلاش شود مترجمی در اختیار پناهجویان گذاشته شود که خود پناهجو و پناهنده نیست.
  - در حضور مترجم به پناهجو اطمینان داده شود که تمامی اطلاعات مطرح شده، از هر گونه‌ای، هم از جانب آزمونگر و هم از جانب مترجم، کاملن محرمانه خواهند ماند.
  - مصاحبه‌ی "پناهندگی موقت" در اتاق و یا در محل خصوصی انجام شود.
  - تعداد روزهای اجباری امضا برای پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی تقلیل یابد و به ایشان اجازه داده شود در ساعات و محل جدا از دیگر پناهجویان و پناهندگان برای "امضا" به پلیس اتباع خارجی مراجعه نمایند.
  - صدور پروانه‌ی "پناهندگی موقت" بدون فوت وقت به درخواست‌کننده اطلاع داده شود.
  - صدور پروانه‌ی "پناهندگی موقت" برای تمام درخواست‌کنندگان از جمله دگرباشان جنسی تسریع شود.
  - به اطلاع تمام پناهجویان رسانده شود که مطابق ماده 88 قانون جمع آوری بها، می‌توانند تقاضای بخشودگی مبلغ تعیین شده را بنمایند (شماره 492).
  - همچنان که پیش از این، به پناهجویان اجازه داده شود به خارج از "شهرستان‌های پناهجو پذیر" سفر کنند.
  - در هماهنگی با وزارت کار و دیگر بدنه‌های دولتی مرتبط، برای صدور پروانه‌ی کار به پناهجویان (شامل درخواست‌کنندگان "پناهندگی موقت" که در دفاتر پلیس ثبت نام کرده‌اند) اقدام شود. با توجه به پرونده‌ی مشخص، و بر اساس شرایط هر پرونده، هزینه، و مدارک لازم برای دریافت پروانه

کار متقاضی فسخ شود. پروانه‌ی کار نمی‌بایست دارنده‌ی آن را محدود به اشتغال برای یک کارفرمای مشخص بکند.

- در هماهنگی با وزارت بهداشت و دیگر بدنه‌های دولتی مرتبط، امکانات سراسری و رایگان خدمات درمانی و دارویی برای پناهجویان (و درخواست‌کنندگان "پناهندگی موقت" که در دفاتر پلیس ثبت نام کرده‌اند) گذاشته شود. در مدت زمان قانونی اقامت ایشان در ترکیه، پناهجویان می‌بایست در موقعیتی برابر با شهروندان ترکیه به خدمات اجتماعی دسترسی داشته باشند.
- در هماهنگی با وزارت کار و تامین اجتماعی و دیگر بدنه‌های دولتی مرتبط، به پناهجویان امکان سراسری دسترسی به خدمات اجتماعی داده شود. در مدت زمان قانونی اقامت ایشان در ترکیه، پناهجویان می‌بایست در موقعیت برابر با شهروندان ترکیه به خدمات اجتماعی دسترسی داشته باشند.
- ضوابط آزمون "تعیین اندوخته" برای تشخیص درجه‌ی فقر میان پناهجویان ارایه شود. نتیجه‌ی آزمون برای معاف شدن درخواست‌کنندگان واجد شرایط از هزینه‌ی برگه‌ی اقامت بکار گرفته شود. همچنین، دلیل رد صلاحیت پناهجویی که معافیت به او تعلق نگرفته است، به صورت کتبی ارایه شود.
- با سازمان‌های دگرباشان جنسی و دیگر سازمان‌ها و متخصصان مربوط ارتباط گرفته شود و پیشنهاد ارایه‌ی امکانات تربیتی داده شود.

### کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در ژنو و ترکیه

- تسریع تعیین موقت پناهندگی برای پناهجویان دگرباشان جنسی تداوم یابد.
- به پناهجویان دگرباش جنسی اجازه داده شود در محلی جدا از دیگر پناهجویان منتظر فرایند رونه ملاقات باشند.
- به کارکنان این سازمان آموزش لازم برای وارسی، تشخیص، و پیگیری دعوای مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی داده شود.
- مواد آموزشی در خصوص مدیریت موثر دعاوی مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی، گسترش یافته و توزیع شود.
- مواد آموزشی پیرو جزوه‌ی **راه‌نمای دعاوی مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی** کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد و راهنماهای کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد، سال 2002 در رابطه با آزار و اذیت جنسیتی، گسترش یافته و به کار گرفته شود.
- تمام کارکنان کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد در خصوص گرایش جنسی و هویت جنسیتی آموزش داده شوند و بهترین راهکار و رفتار در ارتباط با و در ارایه‌ی سرویس به پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی به کار گرفته شود.
- راهکاری برای کاربرد در مصاحبه‌ها ایجاد شود تا رعایت حساسیت‌های لازم قادر به تشخیص صحت و سقم دعاوی مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی باشد.
- به کارکنان حقوقی این سازمان برای استنباط شهادت‌های مربوط، با بکارگیری روش‌های غیر خصمانه آموزش لازم داده شود.

- به کارکنان حقوقی این سازمان آموزش داده شود تا به جای طرح سوالات مربوط به عمل جنسی و تاریخچه‌ی روابط جنسی، پرسش‌هایی را مطرح کنند که راه به اطلاعات مربوط به هویت پناهجو به عنوان یک فرد دگرباش جنسی می‌برد.
- به جز در موارد بسیار ضروری در مورد خاص ادعای مربوط به آزار و اذیت (مثل رابطه‌ی جنسی اجباری و ناخواسته)، کارکنان حقوقی آموزش لازم برای اجتناب از سوالات اهانت‌آمیز و یا مرعوب‌کننده در رابطه با امور جنسی (از جمله سوالات مربوط به پوزیشن جنسی، رفتار جنسی، و شمار شریک‌های جنسی) داده شود.
- به کارکنان حقوقی آموزش لازم داده شود تا از تمرکز توجه بر پوشش و رفتارهای ظاهری کلیشه (نظیر مردان همجنسگرا رفتار زنانه و زنان همجنسگرا رفتار مردانه دارند) به عنوان آزاری برای آزمون اعتبار گرایش جنسی و هویت جنسیتی اجتناب کنند.
- معلوم نمایند که پناهجوی دگرباش جنسی، کارمند حقوقی و مترجم مرد را ترجیح می‌دهد یا زن را، و به همان ترتیب اقدام کنند.
- شمار کافی مترجمانی که قادر به مکالمه به زبان پناهجو هستند را استخدام و ایقا نماید تا در روند پرونده‌ی پناهجویان و پناهندگان به کار گرفته شوند.
- بهترین روش‌های ممکن برای کار با پناهندگان دگرباش جنسی، از جمله رعایت محرمانه بودن اطلاعات، عدم جانبداری، و حفظ احترام پناهجو به مترجمان آموزش داده شود. اطمینان حاصل شود که مترجمان از اصطلاحات و واژگان مناسب برای خطاب به پناهجویان دگرباش جنسی آگاه بوده و استفاده می‌کنند.
- در حضور مترجم، به پناهجویان اطمینان داده شود که تمام اظهارات آنها، از هر گونه‌ای به طور قاطعانه و مطلق، هم از جانب آزمونگر و هم از جانب مترجم، محرمانه خواهد ماند.
- با سازمان‌های حمایت از حقوق دگرباشان جنسی و دیگر سازمان‌ها و متخصصان مربوط ارتباط لازم گرفته شود و پیشنهاد آرایه‌ی امکانات آموزشی داده شود.
- در هماهنگی با "کشورهای اسکان‌ده"، پناهنده‌های دگرباش جنسی تصدیق شده، همراه با پارتنر خود برای اسکان در کشور مزبور معرفی شوند.

### دولت‌های "کشورهای اسکان | مجدد" از جمله ایالات متحده | ای امریکا، کانادا، استرالیا، و سوئد

- شمار پناهنده‌های دگرباش جنسی پذیرفته‌شده برای اسکان افزایش دهند.
- روند اسکان پناهندگان آسیب‌پذیر دگرباش جنسی را تسریع کنند.
- معلوم نمایند که پناهجوی دگرباش جنسی، مصاحبه‌گر و مترجم مرد را ترجیح می‌دهد یا زن را، و به همان ترتیب اقدام کنند.
- کارمندان و مترجمانی را استخدام و ایقا کنند که با شیوه‌های درخور و رعایت حساسیت‌های لازم با پناهجویان دگرباش جنسی کار کنند.
- کارمندان و مترجمان مصاحبه‌کننده با پناهندگان دگرباش جنسی هماهنگ با مطالبات مطرح شده در بالا با دولت ترکیه و کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد آموزش دهند.
- تا آنجا که ممکن است پناهندگان دگرباش جنسی را در شهرهایی که جمعیتی از دگرباشان جنسی از قبل در آن مستقرند اسکان دهند.



- زوجهای دگرباش جنسی پناهجو و پناهنده را همراه هم به کشورهای اسکان‌ده انتقال دهند. تلاش لازم را برای اسکان زوجهای دگرباش جنسی در شهرهایی که ازدواج همجنسگرایان و یا همزیستی همجنسگرایان به رسمیت شناخته شده است بنمایند.
- همکاری لازم با سازمانهای معتبر حامی دگرباشان جنسی محلی و دیگر گروههای مشابه، جهت گسترش سیستمهای حمایتی و بهبود شرایط تطابق تازه‌واردان با محیط جدید به عمل آید.

### سرویس‌دهندگان شهرستان | های پناهجو پذیر، از جمله | نهادهای غیر دولتی و متخصصین مستقل

- به تمامی پناهجویان و پناهندگان، فارغ از گرایش جنسی و هویت جنسیتی افراد، خدمات و حمایت خود را ارائه کنند.
- کارکنان خود را در خصوص نیازهای ویژه و آسیب‌پذیری پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی آموزش دهند.
- حساسیت‌های لازم را در کارکنان خود برای رفتار مناسب و محترمانه با پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی ایجاد کنند.
- به کارکنانی که به پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی خدمات ارائه می‌دهند و با ایشان مصاحبه می‌کنند آموزش دهند که مطابق قوانین دولت ترکیه و کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل عمل کنند.
- آموزش‌های اضافه در خصوص قابلیت دریافت پناهندگی بر اساس تعقیب و آزار به دلیل گرایش جنسی و هویت جنسیتی به کارکنان خود ارائه دهند.
- تعداد کافی مترجمانی که قادر به مکالمه به زبانهای مورد نیاز، برای پاسخگویی به نیاز پناهجویان و پناهندگان را استخدام و ابقا کنند.
- از ترجیح پناهجو و پناهنده مبنی بر حضور مترجم و مامور مرد یا زن اطمینان حاصل کنند و بر آن اساس کارکنان متخصص را به کار گمارند.
- گام‌های لازم برای روشنگری در میان مردم محلی، پناهندگان، و مهاجران برای جلوگیری از تبعیض و خشونت علیه پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی را بردارند.
- برای پناهجویان و پناهندگان کارگاه‌های آموزشی در خصوص حقوق ایشان برگزار کنند و اقدامات لازم را در صورتی که قربانی خشونت، آزار، و تبعیضات غیرقانونی قرار گرفتند، آموزش دهند.
- به پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی راهنمایی و کمک لازم برای تسلیم شکایت علیه کسانی که به آنان حمله کرده‌اند و آزار رسانده‌اند ارائه دهند.
- شرایط گفتگو و درک متقابل میان رهبران جمعیت‌های محلی، پناهندگان و مهاجران و پناهندگان دگرباش جنسی را فراهم آورند.

### سرویس‌های درمانی در شهرستان | های پناهجو پذیر

- به کارکنان در خصوص موانع فرهنگی و ارتباطی که مانع دستیابی پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی به خدمات درمانی موثر می‌شود آموزش داده شود و حساسیت‌های لازم ایجاد شود.
- به متخصصان درمانی و پزشکی در مورد سرایت ایدز و اچ.آی.وی آموزش‌های لازم داده شود تا بدفهمی و نگرانی بیهوده جلوگیری شود.
- مترجم و کارکنان آموزش‌دیده به تعداد کافی در اختیار بگذارند.
- خدمات درمانی را بدون رفتارهای تبعیض‌آمیز در اختیار پناهجویان دگرباش جنسی بگذارند.
- از ترجیح پناهجو و یا پناهنده‌ی دگرباش جنسی در خصوص مترجم و کارکنان بهداری زن و یا مرد اطمینان حاصل کنند.

### مسئولان مدرسه | های دولتی بزرگسالان در شهرستان | های پناهجو پذیر

- به معلمان پناهجویان و پناه‌ندگان دگرباش جنسی مطابق پیشنهادها این گزارش که به دولت ترکیه، و کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل، و سرویس‌دهندگان ارایه شده است، آموزش لازم داده شود.
- به معلمان در خصوص ضرورت ارایه‌ی خدمات، بدون رفتارهای تبعیض‌آمیز، به پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی آموزش لازم داده شود.
- بر اهمیت جلوگیری از خشونت علیه تمامی پناهجویان و پناهندگان، از جمله دگرباشان جنسی تاکید شود.
- راهکارهای دقیق و اصول احترام و مسوولیت‌پذیری به منظور جلوگیری از تبعیض علیه همه و در میان همه‌ی دانش‌آموزان، به خصوص دگرباشان جنسی منتشر شود. این راهکارها برای تمام دانش‌آموزان در اولین جلسه‌ی کلاس توضیح داده شود و اجرای آن تضمین شود.
- اگر پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی درخواست کرده باشند، سیستمی از "آموزش سرخانه" و یا "آموزش در محل" برای دگرباشانی که به دلیل هراس از آزار و تهدید افراد و یا دانش‌آموزان دیگر، قادر به ترک خانه و یا حضور در کلاس‌های عمومی نیستند، ارایه شود.

### رهبران جمعیت | های پناهنده و مهاجر

- از سازمان‌های دگرباشان جنسی بخواهند که در خصوص مسایل مربوط به دگرباشان جنسی روشننگری نمایند.
- برای جلوگیری از خشونت علیه پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی و آزار ایشان تلاش‌های لازم را به کار برند.
- امکانات ارتباط و گفتگو میان پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی و دیگر پناهندگان و مهاجران را ایجاد کنند.

- برای دربرگیری و حمایت از پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی در میان جامعه‌ی بزرگتر پناهندگان و مهاجران راهنمایی‌های لازم را بنمایند.

### پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی

- بد رفتاری و آزاری که در کشور خود به دلیل گرایش جنسی و هویت جنسیتی به شما وارد شده است را کامل و دقیق شرح دهید.
- به محض روبرو شدن با برخوردهای خشونت‌آمیز بلافاصله به پلیس مراجعه کنید.
- با سازمان‌های حامی پناهجویان و پناهندگان ارتباط بگیرید و این ارتباط را حفظ کنید.
- با سازمان‌های حامی دگرباشان و پناهندگان ارتباط دائم و پیوسته داشته باشید و امکان همکاری‌های متقابل برای روشنگری در میان پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی در خصوص حقوق قانونی این جامعه در کشور ترکیه را ایجاد کنید. (مثال، حقوق مربوط به اشتغال، دستیابی به خدمات درمانی، و خدمات اجتماعی، و نیز مراحل پناهجویی).

## نتیجهگیری

امروزه دگرباشان جنسی در میان آسیبپذیرترین و منزویترین پناهجویان و پناهندگان در ترکیه‌اند. مراقبت‌های امنیتی ارائه شده از جانب دولت ترکیه و کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل به این افراد کمک می‌کند تا از بدرفتاری‌های شدید، شکنجه، و مرگ که در کشور خود با آن روبرو می‌شوند رها شوند. با این حال، امنیت جانی ایشان در محیط غالب خشن شهرهای ترکیه به کرات با خطرات و محرومیت‌های تازه‌ای روبرو می‌شود. برخی از این ناملايمات و تهدیدها ریشه در کمبود منابع محلی، ملی، بین‌المللی دارد. برخی دیگر ناشی از عدم آگاهی، ترس، و تبعیضات اجتماعی مزمّن است. این عوامل، به همراه هم محیط مهجوری فاقد امنیت برای پناهجویان و پناهندگان دگرباش جنسی در ترکیه ایجاد می‌کنند. مقدمات قاطع آموزش و تعلیمات مربوط در این زمینه قادر خواهد بود کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل و دولت ترکیه هر دو را در مسیری قرار دهد که بهره‌ی بیشتری از احترام و امنیت برای این افراد که در جستجوی امنیت دائمی‌تر هستند، تأمین کند. تنها در آن صورت است که قوانین و قطعنامه‌های بین‌المللی سیستم پناهندگی در رابطه با افرادی چنین آسیب‌پذیر معنا می‌یابد.

## سیاسگزاری

این گزارش به‌دست کارکنان مجمع شهروندان هلسینکی - ترکیه و (ORAM) سازمان پناه، پناهجویی و مهاجرت تهیه و نوشته شده است. تفسیر متن مورد استفاده در مصاحبه‌ها به فارسی و ترجمه‌ی به ترکی را کارکنان HCA انجام داده‌اند. ما همچنین از عایشه دراز برای همراهی‌های وی در زمینه‌ی ترجمه و از کاوه گیلمن برای ویرایش متن فارسی سپاس‌گذاریم.

مجمع شهروندان هلسینکی و اورام "سازمان پناه، پناهجویی و مهاجرت" قدردانی ویژه‌ای از همیاری سازمان‌های غیردولتی ترکیه مانند انجمن هم‌کاری و پناهجویی و مهاجرت (ASAM) و KAOS-GL دارند. همچنین از هولیا باس‌دوغان، برای کمک‌ها و حمایت‌هاش در نوشهر، سپاس‌گذاریم. از سازمان دگرباشان جنسی ایرانی (IRQO) برای ترجمه‌ی این گزارش به فارسی و نیز برای حمایت‌هایی که به بسیاری از پناهجویان و پناهندگان دگرباش در ترکیه ارائه داده است ممنون و سپاس‌گذاریم. همچنین از کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد برای فراهم‌آوردن بازخوردها تشکر می‌کنیم.

## نقشه ای شهرستان های پناهجو پذیر ت رکیه

